آیة الله العظمی
صافی گلپایگانی

با عاشوراییان

بسم الله الرحمن الرحیم

گفتمان عاشورایی

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گفتمان عاشورایی

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ –

عنوان و نام پدیدآور : گفتمان عاشورایی / مولف صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۱۳۵ص.

شابک : ۳۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۷۹-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : این کتاب نسبت به چاپ قبلی تجدید نظر و ویراست کلی شده است.این کتاب قبلاً با همین عنوان در مجموعه‌ی سه جلدی امامت و مهدویت توسط انتشارات حضرت معصومه(س) و به صورت تک جلدی در انتشارات مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده است. و احتمال دارد توسط انتشارات دیگری هم چاپ شده باشد.

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ق -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع : عاشورا -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع : عاشورا -- شعایر و مراسم مذهبی

شناسه افزوده : دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

رده بندی کنگره : BP۴۱/۷۶/ص۱۶گ۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۶۵۹۹۵

همای سعادت

حسین! ای همایون همای سعادت‌حسین! ای شه مُلک صبر و شهامت

فروغی ز نور تو خورشید رخشان‌ز دریای جود تو کوثر، حکایت

تویی نور چشمان زهرا و حیدرگل احمر بوستان رسالت

به پا از قیام تو شد پرچم دین‌نگون گشت اعلام کفر و ضلالت

رهاندی تو اسلام از چنگ اعدافزودیش بر عزّت و بر کرامت

جوانمردی و غیرت و همّت توز ناموس دین کرد الحق حمایت

الا ای ولی خدای یگانه‌خداوند اقلیم مجد و جلالت

فدا کردی اندر ره دین و قرآن‌جوانان و یاران به کوی شهادت

گذشتی هم از اکبر و هم ز اصغرز عباس، آن درّ بحر شجاعت

ز یاران نامی و صحب گرامی‌شهیدان شمشیر اهل شقاوت

همه عاشقان وفا و حقیقت‌همه رهروان طریق ولایت

همه دشمن ظلم و طغیان و عدوان‌همه پیشتازان راه دیانت

با عاشوراییان، ص: ۴

شعار همه بود الله اکبرمرام همه قطع نخل غوایت

بنازم به آن همّت عالی توبه آن صبر و ایمان و آن استقامت

تو اعلام کردی به آزاد مردان‌که مرگ است با سر بلندی سعادت

به لطف تو دارند چشم شفاعت‌عُصاهٔ محبان به روز قیامت

فدای سر انور بی‌تن توکه بر نیزه می‌کرد قرآن تلاوت

به قربان آن کودک شیر خوارت‌که تیر ستم کرد او را سقایت

ایا مالک مُلک حُسن و معالی‌ایا معدن جود و فیض و سخاوت

از این وضع دوران و از شدّت دهرمرا هست بر درگهت بس شکایت

سخن در جناب تو سربسته گویم‌که ابلغ بود از صراحت کنایت

به «لطفی» ببخشی اگر هر دو عالم‌نباشد شگفت ای محیط کرامت

نباشد مرا بیم از نار دوزخ‌ببینی به من گر به چشم عنایت

اثر طبع: آیت اللّه العظمی صافی

با عاشوراییان، ص: ۵

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحیم

واقعه جانسوز کربلا، نقطه عطفی در تاریخ بشریت و مدار تاثیرگذاری و الهام‌بخشی به همه انسان‌های آزاده و بیدار جهان شد. آنان که سر مطهر عزیز خدا و پاره تن رسول را به شادباش زشت‌کردارترین اهل زمین بردند آرزوی خاموشی نوری را در دل می‌پروراندند که خداوند قادر متعال، اراده درخشش جاودان او را نموده بود. اکنون قریب به یک هزار و چهار صد سال از آن فاجعه بزرگ که نمود روشنی از ستیز همیشگی حق و باطل است می‌گذرد اما خورشید عالمتاب حسین علیه السلام هر روز در افقی وسیع‌تر و متعالی‌تر در حال تجلی است.

از عاشورای سال ۶۱ هجری که ندای استغاثه نور چشمان رسول و ریحانه بتول در میان بغض و عداوت و دنیاپرستی فرزند زادگان ضلالت، پاسخی شایسته نیافت قرن‌ها گذشته است اما بدون شک حسین بن علی علیه السلام از آن زمان تا کنون، لایزال بر انبوه بی‌شمار جان‌های شیفته و دل‌های بی‌قراری حکومت کرده است که داغ سرخ کربلا را از گلوی تاریخ، نسل به نسل تا پهنه قیامت، فریاد می‌کنند.

در حماسه بزرگ عاشورا رازی عظیم و مقدس نهفته است که مرور زمان و تکرار بی‌نهایت آن غم جاودان، نه تنها از عمق عظمت آن نکاسته بلکه هر روز، افق‌های روشن‌تری را در جلو چشمان حق‌طلبان عالم، گشوده است و به راستی این چه سرّ عظیمی است که

یادها به فراموشی می‌روند اما یاد حسین هر روز تازه‌تر از گذشته در جان‌ها زنده می‌شود و چشمه حیاتی می گردد که جان‌های

با عاشوراییان، ص: ۶

شیفتگان را به حقیقت حیات طیبه، آشنا می‌سازد و تامل در ابعاد آن حماسه، بر بصیرت و بینش و معرفت آدمی می‌افزاید.

وسعت تاثیرگذاری و عمق نفوذ حماسه بزرگ عاشورا، که خود از معجزات آن محسوب می‌شود، به بیان ارزشمند مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت الله العظمی صافی، آن را تبدیل به یک «دانشگاه حسینی» نموده است: «به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی‌ها و ده‌ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب، افتخار می‌نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره‌مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه‌السلام برخوردارند؟»

آیت الله العظمی صافی خود نیز به حضور بر همین خوان عظیم کرامت و ولایت مولایش حضرت اباعبدالله و شرکت در دانشگاه حسین علیه السلام افتخار می کند. او که خود از قبیله عاشوراییان و از تبار کربلاییان زمان است مرجعی بیدار و فقیهی جهادگر است که قریب به یک قرن، در احیای تفکر و بینش عاشورا و مبارزه با اهل بدع و ضلال، از پای ننشسته و در تبلیغ پیام بلند سید و سالار آزادگان جهان، با عمل و قلم و زبان خویش مجاهدت نموده است.

«با عاشوراییان»، از عاشورا و پیام آن و رسالت‌های عاشورایی امروز ما، سخن می گوید. این کتاب، مجموعه نوشته‌های عاشورایی حضرت آیت الله العظمی صافی است که در ۴ فصل، تنظیم گردیده است: دل‌نوشته‌های عاشورایی، پیام‌های عاشورایی، رسالت عاشورایی ما و عاشورا در عاشورا.

خواندن این کتاب که با نثری شیوا و روان نگاشته شده فرصتی مناسب برای همه شیفتگان مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است تا جلوه‌هایی جذاب و ماندگار از شخصیت آسمانی امام شهیدان و قیام حضرتش را با نگاهی عالمانه مرور نمایند و بر معرفت و بینش عاشورایی خویش بیافزایند.

مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی

با عاشوراییان، ص: ۱۱

فصل اول: دل نوشته‌های عاشورایی

اشاره

با عاشوراییان، ص: ۱۳

۱. شب عاشورا

اشاره

سلام الله و سلام جمیع انبیائه و ملائکته علی مولانا أبی عبد الله الحسین و علی اولاده و اهل بیته و اصحابه و انصاره و علی زواره و شیعته. حشرنا الله فی زمرتهم بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیه اجمعین

ای کاش فردا نمی‌شد

خدایا! چه می‌شد اگر امشب را آن فردا نبود و تا صبح روز قیامت، بامدادش نبود و در فردایش آن جنایات هولناکی که تا آن تاریخ سابقه نداشت و بعد از آن همانند و نظیرش اتفاق نخواهد افتاد، رخ نمی‌داد و تاریخ بشریت، سیاه و آن چنان پر از ننگ و عار نمی‌گردید و اوج بی‌رحمی، بی‌وجدانی و درنده‌خویی این بشر، که از هیچ مخلوق دیگری ظهور نمی‌کند نشان داده نمی‌شد، و آن ددمنشانی که در صحرای کربلا برای ارتکاب بزرگ‌ترین جرایم تاریخ گرد آمده بودند فرصت این همه گستاخی و اظهار خباثت نفس را نمی‌یافتند.

با عاشوراییان، ص: ۱۴

آنان بدترین جنایتکارانی بودند که خود را به جیفه دنیا و به یزید و ابن‌زیاد- آن جرثومه ها و تجسم ستمکاری، بی‌شرافتی، پستی، پلیدی و همه رذایل اخلاقی و آن دشمنان مردمان مستضعف- فروخته بودند.

خدایا! اگر امشب به پایان نمی‌رسید، شمر و سنان و ابن سعد و حرمله و دیگر شقاوت پیشگانی که اولیای تو را محاصره کرده بودند نمی‌توانستند آن همه شقاوتی را که از خود نشان دادند در دفتر سیاه بنی نوع انسان، ثبت نمایند و میلیاردها بشری را که در طول تاریخ آمده و می‌آیند سرافکنده و شرمنده سازند.

خدایا! چه می‌شد اگر خورشید و ماهَت از حرکت باز می‌ایستادند و زمین از گردش باز مانده بود تا در فردای امشب، عزیزترین و بهترین بندگان تو، حسین علیه‌السلام و یارانش به دست دشمنان تو به شهادت نمی‌رسیدند و آن همه مصائب جانکاه بر اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله تو وارد نمی‌شد؟

اما خدایا! تو خود صاحب این جهانی و دنیا را دار امتحان و آزمایش، قرار دادی و فرمودی:

لیبلوکم ایّکم احسن عملًا[۱]

به قضا و قدر تو ارزش انسان‌ها ظاهر می‌شود. تا آنها که بالاترین مراتب کمال انسانیت را دارند در اعلامِ

با عاشوراییان، ص: ۱۵

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه ۲]

و تو را بهترین مشتری شناخته و خود را به تو فروخته شناخته شوند. و هم آنهایی که در اسفل السافلین مکان می‌گیرند و

اولئک کالانعام بل هم اضل ۳]

توصیفی از خباثتشان است خود را معرفی کرده و بشناسانند.

لا یُسئل عمّا یفعل و هم یُسئلون ۴]

انت العلیم الحکیم ۵]

رزم‌آورد حق و باطل

امشب سران دو گروه، که همواره در تاریخ، مواجهه و صف‌آرایی آنها در برابر یکدیگر را خوانده و می‌خوانیم، در کربلا به صحنه می‌آیند و تمام این عالم را تا پایان این جهان به تماشای مقابله و نبرد دو جبهه حق و باطل و موقف آنها مشغول می‌سازند.

موقف الهی و رحمانی حسین علیه‌السلام، اهل بیت و اصحابش که با آن عده به ظاهر اندك و معدود و به باطن امت‌ها و جهان‌هایی از شخصیت‌های

با عاشوراییان، ص: ۱۶

بی‌نظیر و بی‌بدیل، برای بذل جان در راه خدا، عزت، کرامت، شرف انسانیت، اعلای کلمه الله و احیای معالم دین تصمیم می گیرند و هیچ گونه فشار، تهدید و اوضاع ناگوار- از شهادت جوانان، تشنگی کودکان و اسارت فاضل‌ترین و با شخصیت‌ترین بانوان- به قدر ذره‌ای در تصمیم آنها اثر نمی گذارد.

و موضع نحس، ناپاک، پلید، ضد انسانی و بی‌شرمانه سپاه کوفه که با خدا اعلان جنگ داده‌اند، می‌خواهند با فرزند رسول خدا بجنگند و او و تمام یارانش را تشنه لب از دم شمشیر بگذرانند و محترم‌ترین و معتبرترین بانوان درگاه خدا را اسیر سازند.

گروه ابن سعد و شمر و سنان و خولی و یزید و ابن زیاد را طمع به جوایز و پست و مقام و یا بیم از یزید و ابن زیاد به کربلا کشانیده بود و گروه حسین علیه‌السلام و حزب خدا به شوق درک درجات عالیه، دفاع از نوامیس دین و حرم نبوت و ولایت در آن میدان آزمایش، حاضر شده بودند.

سپاه سعادت و لشکر شقاوت

منظره شب عاشورای کربلای سال ۶۱ هجری قمری منظره‌ای عبرت انگیز و آموزنده بود؛ سعادت، مناعت و بلندی همت از سیمای یاران امام حسین علیه‌السلام، و شقاوت، دنائت و پستی از چهره پلید پیروان بنی امیه هویدا بود.

سپاه حسین علیه‌السلام که خود را چون رهبرشان، سعید می‌دانستند و به موقفی که داشتند افتخار می کردند و در حُسن عاقبت خود هیچ شبهه و شکی به دل راه نمی‌دادند و فاصله‌ای بین خود و رستگاری و رسیدن به

با عاشوراییان، ص: ۱۷

لقاءالله جز شهادت در رکاب آقا و مولایشان نمی‌دیدند، آرام و مطمئن شب را به عبادت، به صبح رساندند.

و سپاه یزید، ابن زیاد و عمر سعد گرچه خود را به ظاهر پیروز می‌دیدند، اما هیچ یک خود را با موضعی که داشتند سعادتمند نمی‌دانستند و جز شمر و تنی چند از هم قماشانش، که شاید از کشتن اولیاء الله و فرزندان پیغمبر و آن مظاهر ایمان، توحید و کمال انسانیت لذت می‌بردند و احساس شرم نمی کردند، دیگران همه با وجدان خویش در جنگ و جدال بودند.

سپاه باطل و عدم بصیرت

به هر حال، اگر چه ما نمی‌توانیم هویت حق‌ستیزی فوق العاده و دشمنی بی‌اندازه بنی‌امیه با خاندان رسالت و میزان عداوتشان با دین را ارزیابی کنیم، اما می‌دانیم که با این وجود در میان همین اشقیا کسی نبود که برای کشته شدن و بذل جان آمده باشد؛ همه آمده بودند تا بازگردند و جایزه بگیرند یا اینکه مورد خشم ابن زیاد قرار نگیرند. و در میان آنها بسا کسانی بودند که مانند حر منتهی شدن این جریان به شهادت امام علیه‌السلام را پیش‌بینی نمی کردند و کسانی دیگر هم شاید استقامت و ایستادگی امام و یارانش را در موقفی که داشتند باور ننموده و گمان می کردند پیشنهاد تسلیم یا جنگ و شهادت در آن شرایطی که بزرگ‌ترین شجاعان دنیا را به تسلیم وادار می‌نمود، کارساز می‌شود و امام و یارانش به ذلت تسلیم- العیاذ بالله- تن در می‌دهند.

خلاصه، جز عده معدودی، احدی از آنها نبود که بتواند خود را با حساب معنویات قانع سازد و از خسارت و صدمه معنوی‌ای که در این

با عاشوراییان، ص: ۱۸

جنگ می‌بیند استقبال داشته باشد و مرگ در آن مهلکه را برای خود هلاکت حقیقی نداند. آنها نمی‌توانستند مواقف امام و یارانش را داشته باشند؛ زیرا بر باطل بودند و نمی‌توانستند در وجدان خود جنگ با پسر پیغمبر را توجیه کنند.

سپاه حق، سپاه بصیرت

اما اصحاب امام همان طور که خود امام آنها را توصیف کرد و آنها نیز خودشان مکرر اعلام کردند، به چیزی جز شهادت در راه امام علیه‌السلام راضی نمی‌شدند و همه آمده بودند که در آن مهلکه، جان خویش را فدا کرده و به فوز شهادت نایل شوند. هدفشان از اینکه قرآن، موضع مجاهدین در راه خدا و در رکاب پیغمبر را به آن توصیف کرده و می‌فرماید:

قل هل تربصون بنا الا احدی الحسنین ۶]

بالا-تر بود. موقف آنها بین تسلیم و ترک حق و ترک امام یا شهادت در راه خدا خلاصه شده بود و آن راد مردان ایمان و شرف انسانیت، شهادت را اختیار کرده بودند و لحظه‌ای در آن تردید نکردند و به اینکه بر حق‌اند و شهادتشان در راه خداست و در این جنگ، زیان نمی‌کنند و کشته شدنشان در نزد خدا بی‌عوض نمی‌ماند، ایمان محکم داشتند؛ از این جهت حتی یک تن از آنها در روز عاشورا میدان جنگ را خالی نکرد در حالی که دشمنانشان هرکجا خطرمرگ را می‌دیدند پا به فرار گذارده و می گریختند.

با عاشوراییان، ص: ۱۹

شب عاشقان بی‌دل

شب عاشورا، خیام طاهره حسین علیه‌السلام و لشکرگاه آن حضرت پر از صفا و معنویت و شوق لقاء الله بود؛ صدای دلنوازشان به مناجات، بلند بود و تهجد و عبادتشان به انسانیت بها و ارزش می‌داد:

لهم دویّ کدویّ النحل ما بین راکع وساجد وقائم وقاعد[۷]

هیچ یک از آنها از اینکه فردا شب، زنده نیست متأسف نبود؛ فقط آن غیرتمندان با شهامت از این جهت نگران و متأسف بودند که می‌دانستند فردا شب، این با عظمت‌ترین بانوان بیوت شرف و کرامت، اسیر دشمن می‌شوند و حمایت کننده‌ای ندارند.

شب اتمام حجت‌ها

منظره شب عاشورای حسین و اصحاب آن حضرت، اتمام حجت دیگری با سپاه کوفه بود که بدانند می‌خواهند چه جنایت عظیمی را مرتکب شوند؛ تا بفهمند که با شب‌زنده‌داران و قاریان قرآن و بهترین خلق خدا رو به رو هستند؛ اگرچه بیشتر چهره‌هایی که برای یاری حسین علیه‌السلام آمده بودند برای آنها ناشناخته نبود.

ستارگان سپاه سیدالشهدا

حبیب بن مظاهرها و مسلم بن عوسجه‌ها، همه از کسانی بودند که سوابقشان در اسلام بر بیشتر سپاه کوفه به خصوص سران نامردشان پوشیده

با عاشوراییان، ص: ۲۰

نبود و همه، آنها را به زهد، پارسایی، حفظ قرآن، عبادت و شخصیت می‌شناختند.

ابو عمرو نهشلی به تهجد و کثرت نماز توصیف می‌شد؛ همچنین سوید بن عمرو به شرافت و کثرت نماز، مشهور بود.

قارب، غلام امام، قاری قرآن بود، شؤذب، مجلس روایت داشت و از مشایخ حدیث بود، همچنین بریر بن خضیر از قراء قرآن بود.

قیس بـن مسـهر و عمرو بـن خالـد و ابوثمـامه و سویـد و عبـدالله بـن عمیر و سـعید بن عبـدالله و ... همه از شخصیـت‌هایی بودنـد که حضورشان در رکاب امام علیه‌السلام و فداکاری‌هایشان حقانیت خود و گروهشان را ثابت می‌کرد. علاوه بر اینکه جمعی از صحابه پیغمبر صلی الله علیه وآله ماننـد: انس بن حـارث، حبیب بن مظهر، مسلم بن عوسجه، ابوسـلامه و هـانی، عبـدالرحمن بن عبـد رب انصاری و عبدالله بن یقطر نیز به شـرف افتخار جان‌نثاری حسین علیه‌السلام مشرف بودند. اصحاب حسین علیه‌السلام شامل بزرگان، حاملان حدیث، عباد، زهاد، قراء مشهور و صاحبان سوابق در مغازی بودند که کشتن هر یک از آنها سندی معتبر برای محکومیت و بطلان طرف مقابل بود.

آفتاب کربلا

بـدیهی است که مشروعیت و حقـانیت موقف حسـین علیه‌السلام به خود آن حضـرت بود و اگر احـدی از این بزرگـان از اهل بیت علیهم السـلام و از آن صـحابه هم، ملازم رکابش نبودند حقانیت حسین علیه‌السلام و بر حق بودن قیامش مسلم بود، اما شهادت این بزرگان نیز در کنار آن موج وسیعی که شهادت سید الشهداء علیه‌السلام در دریای بیکران و پهناور عالم اسلام ایجاد

با عاشوراییان، ص: ۲۱

کرد و تا امروز بر وسعت آن افزوده می‌شود، امواجی بود که هر کـدام جلوه خاص و معنا و مفهومی را عرضه می‌کنـد و عظمت آن موجی که هرگز پنهان نمی‌شود را بیشتر نشان می‌دهد.

چنان که اجتماع سـران اراذل و اوباش و اعـدای اهل بیت علیهم السـلام و افرادی که معلوم بود در شـرکتشان هیـچ هدف صـحیح و مقصدی ندارند و در ارتکاب بدترین جنایت‌ها و انجام فجیع‌ترین بی‌رحمی‌ها شـرکت جسته و نیز برای خوش‌رقصی و اظهار ذلت و خودفروشی به بنی امیه، آماده شده‌اند، موقف عزت، سربلندی و سرافرازی یاران ابی‌عبدالله علیه‌السلام را بیشتر آشکار می‌ساخت.

خدا دوستانش را می‌شناسد

آری! فرشتگان الهی که به درگاه خدا عرض کردند:

اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء[۸]

به این گروه یزیدیان و شمر و ابن سعد و پیروان‌خط و راه آنها نظرداشتند.

و خداوند متعال که در جواب آنها فرمود:

انی اعلم ما لا تعلمون ۹]

به گروه حسین و اصحابش و کسانی که در طول تاریخ در این خط می‌باشند و از آنها پیروی می‌نمایند، عنایت داشت.

با عاشوراییان، ص: ۲۲

فرصتی برای انس بیشتر

چنانکه ارباب تواریخ و حدیث نگاشـته‌اند، عصـر روز تاسوعا وقتی عمر سعد بر حسب دستور ابن زیاد مبنی بر فوریت شروع جنگ، فرمان یورش به خیام طاهره را صادر کرد، به شـرحی که در کتاب‌ها نوشته‌اند، امام حسین علیه‌السلام از آنها برای اجرای یک سلسه برنامه‌های عبادی و در واقع وداع با نماز، عبادات و تکالیف الهی یک شب مهلت خواست.

مؤمن آماده برای لقاء خـدا، در عین شدت شوق برای فوز به لقاء، ادامه انس نمازی و عبادی خود با خدا را نیز دوست می‌دارد و آن

را هم ظهور و جلوه‌ای از لقاء الله می‌بینـد؛ برای ولی اللهی ماننـد حسـین علیه‌السـلام که همه حالاتش در لقاء می گذرد، همه جَلوات جلوه‌های لقای حق، لذت‌بخش است.

فرصت تفکر

این مهلت خواهی، متضـمن معـانی عـالی و اعلاـن موضع برحق امـام بر آن گروه سـتمکار کافر بود، اعلان حقیقت، اعلان توحیـد و اعلان محکومیت دشـمن بود و در عین حال مهلت و فرصتی برای سپاه عمر سعد بود که اگر برخی از آنان تا به حال فکر می کردند که جنگ، با تسـلیم سـید الشـهدا علیه‌السـلام و اصـحابش به پایان می‌رسد و به شمشـیر کشـیدن بر روی آن حضـرت، که با شمشـیر کشیدن بر روی پیغمبر فرقی ندارد، منتهی نمی‌شود، اکنون که بر سر دو راهی جهنم و بهشت قرار گرفته‌اند در این یک شب در کار خود تأمل کنند.
اگر در همان عصـر تاسوعا جنگ بلافاصـله شروع می‌شد، برای آن عده‌ای که شب عاشورا به اصحاب امام می‌پیوستند دیگر فرصتی برای تصمیم گیری
با عاشوراییان، ص: ۲۳
و بـاز گشت بـه سـوی حق وجـود نـداشت و چـه بسـا کـه برای سـعادتمندی ماننـد حر نیز سـعادت نـدامت و رجـوع به حـق حاصـل نمی گردید.
بنابراین، این مهلت یک شـبه اگر چه به حسـین علیه‌السـلام و اصحابش برای عبادت داده شده بود، اما مهلتی برای سپاه عمرسعد هم بود که در این یک شب فکر کرده و با رجوع به وجـدان خود تصـمیم بگیرنـد؛ اگر چه ابن سـعد و شـمر و سـنان‌ها تصـمیم خود را گرفته بودنـد و برای محاربه با خـدا به کربلا آمـده بودنـد، اما بسـیاری بودنـدکه به زور و تهدیـد و تحت تأثیر عواملی چون ضـعف ایمان و نداشتن شجاعت نفسانی، و به امید خاتمه غائله با تسلیم شدن امام بودند؛ از این رو برای اینکه بر آنها اتمام حجت شود، این فرصت یک شبه لازم بودکه همین فرصت در رجوع‌عده‌ای به‌حق، مؤثرواقع گردید.

شوق دیدار

شب عاشورا، صـدای عبادت و مناجات دلنواز حسـین علیه‌السـلام و اصـحاب بزرگوارش صـحرای کربلا را آکنده از عطر روحانیت، معنـویت، شـور وشـوق و توجه به خـدای متعـال کرده بود؛ گروهی پاکبـاز، دل از جـان شسـته و خود را به خـدا فروخته و مطلوب و مقصود خود را یافته بودند و دعوت به قرآن، دعوت به حق، دعوت به محکوم کردن ظلم و اسـتکبار و دعوت به نصـرت حق و دفاع از نوامیس دین را لبیک گفته بودند.
دعاهایشان همه مشـحون به معرفت و حمـد و شـکر الهی بود؛ خالصانه‌ترین سـتایش‌ها و نیایش‌ها همان بودنـد که آن عزیزان درگاه خدا، به پیشگاه معبود حقیقی خود تقدیم می کردند.
با عاشوراییان، ص: ۲۴
آنـان دلشـان فـارغ از همه اغیـار، و پر از اخلاـص و محبت به او بود. آن حـالی را که داشـتند مغتنم می‌دانسـتند و به آن معراجی که عروج کرده بودند سرافراز و سربلند بودند.

قلب‌های تاریک

امـا از آن سو، گروه یزیـدیان که این منظره روحـانی انصـار الله در برابرشـان قرار داشت، در عمق ظلمـات و تاریکی‌هایی که در آن

غوطه‌ور بودند و «بعضها فوق بعض» بود، آن روشنایی جهانتاب را می‌دیدند. اگر در آنها صاحب وجدانی بود غیر از خجلت، سرافکندگی و از خود بیزاری، چه احساسی می‌توانست داشته باشد؛ آنها نه دستشان به دعا بلند می‌شد و نه می‌توانستند با عالم معنویت و لذت احساس به کمال و درک حق، ارتباط برقرار کنند. آنها چه دعایی می‌توانستند داشته باشند؟ آیا می‌توانستند پیروزی بر حق را از حق طلب کنند؟ آیا واقعاً می‌توانستند از خدا بخواهند که حسین و یارانش به دست آنها کشته شوند؟ به یقین حتی عمر سعد که با این زبان به لشکرش گفت:

یا خیل الله ارکبی و بالجنهٔ ابشری ۱۰]

نیز نمی‌توانست میان خود و خدا، به حسین نفرین کند، او خوب می‌دانست که بهشت و رضای خدا با کاری که او می‌خواهد انجام دهد حاصل نمی‌شود. اگر کسی در لشکرگاه عمر سعد دارای ضمیر بیداری بود و دعا می‌کرد، دعایش غیر از این نبود که: «خدایا! فردا مرا از درگیر شدن با

با عاشوراییان، ص: ۲۵

حسین علیه‌السلام و اصحابش نگهدارا! مرا به شقاوت شرکت در خون حسین یا کشته شدن به دست حسین، مبتلا نساز! و همین عده معدود بودند که دعایشان مستجاب شد و به حسین و انصار حسین ملحق شدند.

به راستی که شب غریبی بود آن شب، و این دو گروه را حالات غریب متضادی بود.

یاوران حقیقی

حسین علیه‌السلام با دلی آرام و مطمئن و سرشار از شوق به لقاء الله خطبه خواند؛ خدا را به نیکوترین بیان، نیایش و ستایش کرد و بر اینکه آنها را به نبوت، پیامبری، علم قرآن و فقه دین سرافراز فرموده و چشم و گوش و دل (بصیرت و بینش همه جانبه) بخشیده، حمد نمود و اصحاب خود را مدح و توصیف کرده و فرمود:

فانی لا اعلم اصحابی اوفی و لا خیراً من اصحابی و لا اهل بیتی ابر و لا اوصل و لا افضل من اهل بیتی فجزاکم الله عنی خیراً[۱۱]

من اصحابی را باوفاتر و بهتر از اصحاب خودم و اهل بیتی را نیکوکارتر، متحدتر و فاضل‌تر از اهل بیت خویش نمی‌دانم؛ خدا شما را از من پاداشی نیک دهد.

سپس به آنها فرمود که شرط نیکی و یاری را به جا آوردید و به آنان اذن داد که از آن اقیانوس موّاجِ پر از آزمایش به کنار روند و جان خود را

با عاشوراییان، ص: ۲۶

نجات دهند و آنها را از بیعت و تعهدی که نسبت به آن حضرت داشتند آزاد و بریٔ الذمه فرمود که بروند و متفرق شوند و به منازل و شهرهای خود برگردند.

فان القوم انما یطلبوننی و لو قد اصابونی للهوا عن طلب غیری ۱۲]

این مردم قصد تعرض به من را دارند و اگر به من دست بیابند به غیر من نمی‌پردازند.

آن اهل بیت بزرگوار و آن اصحاب با وفا یک قول و یک سخن، پاسخ دادند که ما هرگز چنین کاری نمی‌کنیم و امام خود را در میان دشمن، بی‌یار و تنها نمی‌گذاریم.

برادران آن حضرت، برادرزادگان و عموزادگانش همه گفتند، ما چنین نکنیم، چرا برویم؟ برای اینکه بعد از تو زنده بمانیم؟!

لا ارنا الله ذلک ابداً[۱۳]

خدا ما را بی تو هرگز زنده نگذارد!

ما جان خود و کسان خود را فدای تو می‌کنیم و در راه تو جهاد می‌کنیم و در هر بلاـ و مصیبتی که تو وارد شوی ما نیز وارد می‌شویم.

با عاشوراییان، ص: ۲۷

دژهای محکم ایمان

پس از اینکه بنی‌هاشم از این مقوله سخن گفتند و تصمیم قاطع خود بر

شهادت را اعلام کردند اصحاب به نوبه خود برمی‌خاستند و با عرض جانفشانی و جان نثاری در آن موقعیتِ به ظاهر پر از رعب و وحشت، که بر حسب عرف و عادت باید از آن پیشنهاد امام استقبال نمایند، ایمان محکم خود را به امام و راهی که در پیش گرفته اظهار می‌نمودند و به مرگ و آن شداید و مصائب جانکاهی که پیش رو داشتند اهمیتی نمی‌دادند و خوشحال و سرافراز بودند که از بوته امتحان چنان بی‌غل و غش بیرون می‌آیند.

در آرزوی شهادت

مسلم بن عوسجه ضمن بیان سخنانی پر از معنا و حقیقت، گفت:

«به خدا قسم اگر بدانم کشته می‌شوم سپس زنده می‌شوم و باز کشته می‌شوم و به آتش سوزانده می‌شوم و خاکسترم بر باد داده می‌شود و هفتاد بار با من چنین رفتار نمایند، از تو جدا نمی‌شوم تا جانم را در راه تو فدا نمایم؛ پس چگونه دست از دامن تو بردارم در صورتی که غیر از یک کشته شدن نیست که آن هم موجب کرامت بزرگ‌تر و جاوید است؟»[۱۴]

زهیر گفت:

«دوست دارم هزار بار مرا بکشند و خداوند متعال به کشته شدن من، از تو و از این جوانان اهل بیت کشتن را بگرداند.»[۱۵]

با عاشوراییان، ص: ۲۸

سایر اصحاب نیز آنچه باید در چنین موقعیتی بگویند را به عرض رساندند و دلاوران جهان و قویدلان را از درجه بلند قوت، استقامت،

بی‌پروایی از مرگ و وحدت کلمه خود مبهوت و متحیر ساختند.

بزرگ‌ترین معامله تاریخ

آری! آنچه این راد مردان می‌خواستند، بهایش همان بذل آن نفوس طیبه و جان‌های پاک بود.

احیای دین، برانداختن بدعت‌ها، اعلای کلمه الله، نجات اسلام و معالم انسانیت از خطر اضمحلال، ابطال باطل، تبدیل تفکر اموی به تفکر محمدی و اسلامی و محکوم ساختن حکومت مشرکانه سفیانی بود که به قول شاعر:

لو لا صوارمهم و وقع نبالهم

لم یسمع الاذان صوت مکبر[۱۶]

آنان با بـذل جان، رضای خـدا و خشـنودی رسول خـدا و نصـرت حق و نصـرت قرآن را می‌خریدند. آنها به رضوان خدا نظر دوخته بودند و الحق در معامله‌ای که کردند آن چنان سودی بردند که احدی از انبیا و اولیا در معامله با خدا بیشتر از این سود نبرده است.

نامی به بلندای تاریخ

آن شب و آن روز در بستر زمان بسـیار کوتاه بود و به سـرعت گذشت، اما آن صبر، پایداری و استقامت بر تصمیم در هر ثانیه‌ای از آن شب و روز

با عاشوراییان، ص: ۲۹

تنها از کسانی مانند آن نخبگان فضیلت و شخصیت، قابل ظهور و صدور است.

گوارا باد بر آنان رضای خـدا و رضای رسول خدا صـلی الله علیه وآله و رضای امیر المؤمنین علیه‌السـلام و رضای فاطمه زهرا سـلام الله علیها و رضای امام مجتبی علیه‌السلام و رضای آقا و مولایشان حسین علیه‌السلام.

همه جهـات مادی آنها- که عاقبت هم از میان می‌رود- در آن معرکه از بین رفت، اما فضـیلت، معنویت و نام بلنـد آنها باقی مانـد و اگرچه دشـمن بر آن ابـدان طیبه چیره شـد امـا هرچه کرد نتـوانست بر مکـارم اخلاـق، حریت، ایمـان، اصـطبار و موضع ضـد ظلم و استضعاف آنها مسلط شود.

قد غیّر الطعن منهم کل جارحهٔ

الا المکارم فی امن من الغیر[۱۷]

خدایا! ما آنها را دوست می‌داریم و به کار آنها راضی و خشنودیم و مواضع آنها را می‌ستاییم؛ ما را در زمره آنان و دوستانشان مقرر فرما.

در سودای محبت دوست

اگر شـنیده‌اید که فرموده‌اند اصـحاب سـید الشـهداء علیه‌السـلام درد شمشـیر را احساس نمی‌کردند، باور کنید و تعجب نکنید! آنچه آنها می‌دیدند و به شوق آنچه آنها می‌رزمیدند و نیل به مقامات و درجاتی که آنها به آن ایمان داشتند، شخص را از احساس رنج و درد تیر و شمشیر باز می‌دارد.

با عاشوراییان، ص: ۳۰

انسانی که گرم توجه به حق تعالی است و در عوالم وصال با او سـیر می‌کنـد اگر غیر او و خودش را فراموش کرده و خلع بـدن شده باشد عجیب

نیست چنان که معروف است که پیکان تیر را ازبدن امیرالمؤمنین علیه‌السـلام در حال نماز می‌کشـیدند و آن حضرت دردی احساس نمی‌فرمود:

در نماز آن چنان زجا رفتی که دعاوار بر سما رفتی

پر به سودای تن نکوشیدی گاه کَندی و گاه پوشیدی

بود غفلت زسلخ پیکانش که به تن بود آن نه برجانش

وقتی که بانوان مصری با دیدن جمال یوسف چنان از خود بی‌خود شدند که بر حسب آیه کریمه:

فلما رأينه اكبرنه و قطعن ايديهن وقلن حاش الله ما هذا بشراً ان هذا الا ملك كريم ۱۸]
دست‌های خود را به جای ترنج بریدند و به آن التفات نداشتند، پس اگر اصحاب سید الشهدا علیه‌السلام با آن درجه بلند معرفت و با اینکه غرق تماشای جمال الهی بودند و بر حسب اخبار، حضرت منازل آنها را به آنان نشان داد، ضرب شمشیر و تیر و نیزه را بر جان خود خریدند و آن چنان

با عاشوراییان، ص: ۳۱
گرم شور و شوق و فوز به لقاء الله و ثواب حق تعالی شدند، جای تعجب نیست.

برگزیدگان مکتب ایمان

این اصحاب، برگزیدگانی بودند که از پیش برای چنین امتحانی آماده شده بودند و در درک این فضیلت از همه بزرگان و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وآله و یاران امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام که در آن عصر زنده بودند، پیشی گرفته و بر همه، فضیلت، بلندی و رتبت یافتند.
در کتاب «بصائر الدرجات» از حذیفهٔ بن اسید غفاری قریب به این مضمون نقل شده است که:
«پس از اینکه حضرت مجتبی علیه‌السلام از کوفه به سمت مدینه عزیمت کرد من در التزام رکاب آن حضرت بودم و شتری را دیدم که باری بر آن است و پیشاپیش حضرت، حرکت می‌کند. به حضرت عرض کردم: «جعلت فداک (فدایت شوم)! مگر بار این شتر چیست که شما به آن توجه دارید و آن را زیر نظر قرار داده‌اید؟» فرمود: «طومار اسامی شیعیان ماست.» گفتم: «فدایت شوم! می‌شود آن را به من نشان بدهی تا نام خودم را در آن ببینم؟» فرمود: «آری! فردا صبح نزد من بیا.» از آنجا که من خود خواندن نمی‌دانستم، برادر زاده‌ام را به همراه خویش بردم. حضرت مجتبی علیه‌السلام فرمود: «این جوان کیست؟» عرض کردم: «برادرزاده من است؛ او را آورده‌ام تا نام مرا در آن طومار ببیند.» حضرت مرا امر به نشستن فرمود و دستور داد آن دیوان و دفتری را که در میانه است بیاورند. برادر زاده‌ام در آن
با عاشوراییان، ص: ۳۲
نگریست و گفت: «عمو! اسم من در این صحیفه است.» گفتم: «من تو را آورده‌ام تا نام من را بجویی وتو نام خود را می‌خوانی؟» جوان چند برگی را ورق زد و سپس نام مرا نیز در آنجا پیدا کرد. من از این در تعجب ماندم
که چگونه نام او پیش از نام من ثبت شده بود تا اینکه آن جوان در رکاب حضرت سید الشهدا علیه‌السلام افتخار شهادت یافت و راز آنکه اسم او را در ورق‌ها پیش از نام عمویش، حذیفه ثبت کرده بودند، معلوم شد.»
شاید از این جهت باشد که وقتی ابن عباس حبر امت به ترک ملازمتِ رکابِ سید الشهداء علیه‌السلام در سفر به کربلا مورد عتاب و ملامت قرار گرفت، جواب داد: «ان اصحاب الحسين لم ينقصوا رجلًا نعرفهم و لم يزيدوا رجلا باسمائهم من قبل شهودهم.»؛ اسامی اصحاب امام حسین علیه السلام را از قبل می‌دانستیم، نه یک نفر کم و نه یک نفر زیاد.
و از محمد بن حنفیه نقل است که گفت: «ان اصحابه عندنا لمكتوبون باسمائهم و اسماء آبائهم»؛ اصحاب امام حسین علیه‌السلام در نزد ما با اسامی خود و پدرانشان مشخص بود.
سلام الله عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التى حلت بفنائك عليكم منى سلام الله يا ليتنى كنت معكم فافوز فوزاً عظيماً
با عاشوراییان، ص: ۳۳

۲. صبح عاشورا

اشاره

السلام علیک یا ابا عبد الله الحسین

صبحی سهمگین

صبح روز عاشورا، صبح روز رستاخیز عظیمی است که بشریت در هولناک‌ترین مواقف و هراس انگیزترین ایستگاه‌ها قرار گرفت و با حوادثی رو به رو شد که فرشتگان آسمانی را هم به شگفتی انداخت.

صبحی است سخت رهیب؛ مخاطراتی که در پی دارد و امتحاناتی که برای انسان پس از آن پیش می‌آید، چنان شکننده است که شکست ناپذیری در برابر شداید آن، جلوه امر محال و غیر ممکن را دارد. اگر آن سختی‌ها بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها فرود می‌آمد، تحمل آن را نداشتند و اگر توان همه افراد بشر را یک نفر داشته باشد باز هم توان غلبه بر شداید و مصائب این روز از صاحب آن، عجیب و حیرت‌انگیز است.

با عاشوراییان، ص: ۳۴

جلوه‌گاه ایستادگی

استقبال از این روز، تنها در تاریخ انسانیت، از یک نفر صادر شده است ۱۹] و نه پیش از او سابقه داشته و نه بعد از آن اتفاق می‌افتد؛ یک نفر که از نظر ظاهری یک تن بود، اما از نظر معنا و بصیرت در معنویت و شخصیت، یک عالم و عالم‌ها و بیش از آسمان‌ها و زمین و بهشت و آنچه در آنهاست بود، و همان مثال حقیقی و اکمل «الصورة الانسانیة هی أکبر حجج الله علی خلقه، وهی الکتاب الذی کتبه بیده وهی الهیکل الذی بناه بحکمته، وهی مجموع صور العالمین وهی المختصر من العلم فی اللوح المحفوظ»[۲۰] بود، بزرگ مردی که در این روز و در این میدانِ پر از آنچه در نظر همه وحشتناک، هول‌انگیز و غیر قابل تحمل است، ایستاد.

آن کس که اصالت و شرف انسان، اوج عظمت خود و ارزش انسان در تمام عوالم خلقت را به همه مخلوقات و ممکنات نشان داد و آیاتی مانند

با عاشوراییان، ص: ۳۵

«لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم»[۲۱] و «فتبارک الله احسن الخالقین»[۲۲] و «انی اعلم ما لاتعلمون»[۲۳] را تفسیر نمود، حسین است؛ حسین انسانیت، حسین ملائکه، حسین انبیا، حسین ابراهیم و موسی و مسیح، حسین محمد و علی و فاطمه، حسین حسن، حسین اسلام، حسین قرآن، حسین صبر و استقامت، حسین حق و عدالت، و در نهایت حسین خدا و حسین و حسین.

صبح مصیبت‌ها

صبح روز عاشوراست؛ صبحی که آبستن مصایب جانکاهی است که حسین علیه‌السلام و اهل بیت و اصحابش باید به استقبال آنها بروند و از دین، قرآن و شرف آل محمّد صلوات الله علیهم و شرف همه انسان‌های شریف، دفاع کنند و در این روز، یگانه راهی را که طی کردن آن برای نخبگان در طول قرن‌ها میسّر نمی‌شود، با عزت و سرافرازی طی نمایند.

صبح عاشوراست؛ انبوه لشکر ظلم و ضد انسانی، لشکری که برای انجام بزرگ‌ترین جنایات آماده شده بودند، گروه معدود و به ظاهر اندک از نخبگان عالم وجود را محاصره کرده بودند.

عاشورا جلوه‌گاه توکل

حسین علیه‌السلام و اصحابش با تصمیم قاطع و عزمی راسخ، به تمام دنیا، مردم آینده جهان، فرشتگان و همه، اعلام وجود می‌نمایند، و الله اکبر از آن عظمت ایمان و عظمت هدف و مقصد!

با عاشوراییان، ص: ۳۶

حسین علیه‌السلام اگر چه وجودش مالامال از توجه خاص به خداوند متعال بود و اگر چه دلش در حد کمال، محکم و استوار بود و می‌دانست که در آن معرکه، که دشمن همه گونه شرارتی را مرتکب می‌شود، نه خودش و نه اصحابش شکست نمی‌خورند، و با روحیه و قوّت ایمان به خدا در خط خود و صراط مستقیم فداکاری در راه دین و استقبال از شهادت، دشمن را بیچاره می‌نمایند، اما با این همه، مرد موحد و بنده خاص و خالص خدا همه چیز و همه نیروها را از او می‌داند و فقط او را حی و قیوم می‌شناسد، از این رو با ابتهال تمام، از خدا طلب کمک کرده و وثوق و اعتماد خود به پروردگارش را اعلام می‌نماید، و چنان دعا و ابتهال می‌کند که زبان و بیان ما از تقریر این شور و شوق و توجه حسین و اصحابش به خدا عاجز است.

دعای حسین علیه‌السلام چه بود؟

حسین علیه‌السلام در این روز آنچه را که به ظاهر برای انسان عزیز است و همه برای حفظ آنها دعا می‌کنند، در ورطه خطر قطعی می‌بیند. او دعا می‌کند، اما دعایش نجات ظاهری از این ورطه و امتحان بزرگ نیست؛ دعا نکرد که خدایا! جوانانم و برادرانم را از این قتل و شهادت و اهل بیت را از اسارت، نجات بده و آنها و اصحابم را باقی بدار، یا شیر خوارم را مورد ترحم این اشرار قرار بده؛ نه! او این گونه دعا نمی‌کرد و هیچ یک از اصحاب و یاورانش هم این گونه دعا نمی‌کردند؛ آنها همه به شهادت می‌اندیشیدند؛ آنها از اینکه انصار خدا، انصار رسول خدا و انصار حق می‌باشند به خود می‌بالیدند.
با عاشوراییان، ص: ۳۷

در اندیشه شهادت

و چیزی که به فکر آنها خطور نمی‌کرد، نجات از مرگ بود. آنها همه مستغرق در بحار توجه به خدا و نیل به فوز شهادت بودند، دعایشان این بود که در شهادت و ایثار جان درراه خدا هرچه بیشتر، خالصانه وموفق‌تر عمل نمایند و فداکارتر باشند ودر برابر ضربات تیرها وشمشیرها ونیزه‌های دشمن، شایق‌تر ایستادگی نمایند؛ کشته شدن درراه خدا وشهادت، فوزعظیمی بود که به چشم خویش می‌دیدند و با اختیار و اشتیاق تمام به سوی آن می‌شتافتند.

پرواز روح

دعای حسین علیه‌السلام در این روز، دعایی است که اوج پرواز روح آن حضرت را به نمایش گذاشته، و ارتباط خاص و خالص او با خدا را بیان می‌کند. نکته‌های بزرگی که در این دعا و در این موقعیت نهفته، بسیار آموزنده و سازنده است؛ این بالاترین مقام ربط و قرب آنان به خداست؛ انسانی که تمام وجودش معنای «انّ صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله ربّ العالمین»[۲۴] است دعا

این است:

اللهمّ انت ثقتی فی کلّ کرب وانت رجائی فی کلّ شدّهٔ وانت لی فی کلّ امر نزل بی ثقهٔ و عدهٔ، کم من همّ یضعف فیه الفؤاد، وتقلّ فیه الحیلهٔ، ویخذل فیه الصدیق، ویشمت فیه العدو، انزلته بک و

شکوته الیک رغبهٔ منی الیک عمن سواک، ففرجته

با عاشوراییان، ص: ۳۸

عنی وکشفته وکفیتنیه، فانت ولی کلّ نعمهٔ، وصاحب کلّ حسنهٔ، ومنتهی کلّ رغبهٔ[۲۵]

چند نکته از یک دعا

در این دعـا، که جملههـای توحیـدی آن را بزرگان علما و اهل معرفت و ارتباط با حقایق عالی و معانی متعالی بایـد شـرح بدهنـد و برهان قدرت ایمان، وثوق، اعتماد و امید امام علیه‌السلام به خداست، به نکته‌های بزرگی اشاره شده است.

اول: توحید در مقام وثوق و اعتماد و اتکا؛ امام علیه‌السـلام در اندوه‌ها تنها خدا را پشتیبان و تکیه‌گاه خود می‌داند و به احدی غیر از خدا اعتماد و اتکا ندارد.

دوم: توحید در مقام رجا و امید؛ که در این مرتبه و مقام نیز حسـین علیه‌السـلام در هر شدت و سختی به او و حسن قضای او امیدوار است.

سـوم: خـدا را سـتایش می‌نمایـد که در همه حالاـت و همه همّ و غم‌هـا، همـوم و غموم او را برطرف سـاخته و غصه‌هـایی که دل را ضعیف می‌نماید و راه چاره در آنها بسته می‌شود و در آن دوست، شخص را وامی‌گذارد و

دشمن، شماتت می‌نماید، بر طرف فرموده است. در اینجا و در این موقف

با عاشوراییان، ص: ۳۹

هولنـاک نیز از خـدا می‌خواهـد کـه به او تـوان حفـظ آن موقـف را عطـا کنـد و او را در تحمـل این همه مصیبت‌ها و بلیـات یـاری فرمایـدکه تـا پایـان راه، همه این مـدارج و معـارج را خودش و اهـل بیت و اصـحابش با عزمی خلل ناپـذیر طی نماینـد، و مشـتاقانه، یکایک گردنه‌های خوفناک این وادی را پشت سـر گذاشـته وپیش بروند؛ وبروند تا به جایی برسندکه دیگراین عقل‌های محدود ما از درک اوج آن عاجز است، و همه قله‌های عظمت را فتح نمایند.

ودعای حسین علیه السلام مستجاب شد

این دعـا و این ابراز اعتمـاد و وثـوق به بهـترین وجهی مسـتجاب شـد، و حسـین به آنچه اراده کرده بـود و می‌خـواست، رسـید؛ همه مقاصدش حاصل شد و همه حوائج حقیقی و خواسته‌هایش برآورده گردید؛ همه یاران و اصحابش قله‌های بلند تقرب به خدا را فتح نمودند و برکات کار آنها تا روز قیامت، شکوفا و زنده و پایدار است و آیه شریفه

ضرب الله مثلًا کلمهٔ طیبهٔ کشجرهٔ طیبهٔ اصلها ثابت وفرعها فی السماء[۲۶]

در طول قرون و اعصار تا روز قیامت، تفسیر شد.

والسلام علی الحسین وعلی اولاد الحسین وعلی اصحاب الحسین و رحمهٔ الله وبرکاته ۲۷]

با عاشوراییان، ص: ۴۱

فصل دوم: پیام‌های عاشورایی

اشاره

با عاشوراییان، ص: ۴۳

۳. صراط مستقیم حسین علیه السلام

اشاره

أعظم الله أجورنا بمصابنا بالحسین علیه‌السلام و جعلنا و ایّاکم من الطالبین بثاره مع ولیّه الامام المهدی من آل محمد علیهم السلام
قال الله تعالی: إنّ الّذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون ۲۸]

شکست ناپذیران عرصه کربلا

تاریخ رجال بزرگ عالم بشریت، مردان خدا، انبیا، اولیا، از مواقف بسیار هولناک و وحشت زا و روزها و هنگامه های بسیار خطرناکی که برای آنها پیشامد نموده، حکایت می کند که حفظ موضع، مقام، استقامت و انجام وظیفه در آن شرایط موحش، نه تنها کار انسان های عادی نیست؛ بلکه بسیاری از تَهَمْتنان، شیردلان و صاحبان عزم و اراده آهنین نیز در این مواقف
به زانو درآمده و در موضع و مقامی که باید بر سر آن بایستند پایدار

با عاشوراییان، ص: ۴۴
نمی‌مانند. این مواقف گاه تا حدی بلاخیز و مصیبت‌زاست که در عرف اکثریت، استقامت بر آن محال و ترک آن مُجاز شمرده می‌شود.
کسانی که در این مواقف ایستادند و انجام وظیفه نموده، از شرف انسانیت و ایمان و عقیده خود به خدا دفاع کرده، خطرات را تحمل نموده و در امواج بلیات و تلاطم اقیانوس‌های مصائب و فشارها غرق نشدند، از نوادر عالم خلقت می‌باشند.
آنان شکست ناپذیر، شکیبا و مقاوم بر جای می‌مانند و جز در مقابل خدای عظیم در برابر احدی سر تسلیم فرود نمی‌آورند و هیچ گونه فشار، محرومیت و مصیبتی روحیه آنها را دستخوش تلاطم نمی کند.
نه بیم از زوال مقامات بلند و ظواهر و مظاهر فریبنده جهان- که بسیاری فریفته و دلباخته آن هستند- آنها را به عوض کردن مسیرشان وادار می‌سازد و نه ترس از شداید، رنج‌ها و سختی‌ها، در صبر و مقاومتشان سستی ایجاد می کند؛ کوه‌های سخت از هم می‌پاشند اما این رجال الهی متزلزل نمی‌شوند.
رجال لاتلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوه و ایتاء الزکوه یخافون یوماً تتقلّب فیه القلوب و الأبصار[۲۹]
من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم

با عاشوراییان، ص: ۴۵

من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلًا[۳۰]

مقصد تربیتی انبیا

یکی از مقاصـد مهم بعثت انبیـا و تربیت هـای وحیـانی، پرورش همین روحیه مقـاومت در برابر امـوری است که تسـلط آنهـا بر بشـر موجب هلاکت، خسران، زیان معنوی و واقعی و سقوط او می گردد. همه باید مقاوم تربیت شوند و همه باید بر غرایز و خواسته های حیوانی و مشتهیات جسمانی مسلط شوند تا در برابر نفس اماره، شهوت، حب جاه، حب مال، حب دنیا و جنود جهل مغلوب نشوند و در این میدان و رزمگاهی که همواره برپاست غالب و پیروز باشند.

پیروزمندان عرصه بندگی

در این میان، چنان که گفته شـد انبیا، اولیا و ائمه هدی علیهم السـلام از همگان گوی سـبقت ربوده‌اند و پیروزمندانه مواقف خود را حفـظ نموده و عوامـل سـلبی یـا ایجـابی در اراده و عزم آنهـا اثری نبخشـیده است. موقف ابراهیم خلیل، موسای کلیم، عیسای مسـیح ومواقف عظیم حضـرت خاتم الانبیا صـلی الله علیه و آله ومواقف امیرالمؤمنین علیه‌السـلام و حضـرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام و سـایر ائمه هـدی علیهم السـلام، همه سـرمشق، آموزنـده، فـوق العـاده و از مظـاهر بزرگ اوج عظمت مقـام انسـانی و برتری آنهـا بر فرشتگان و ملائکه است.

با عاشوراییان، ص: ۴۶

راه حسین علیه‌السلام صراط مستقیم

در این میدان ظهور، موقف حسـین علیه‌السـلام و اسـتقامت و پایداری آن حضرت، بی‌مانند است؛ آن موقف پر از مصیبات و عوامل بازدارنده‌ای که همه- حتی بر حسب زیارت ناحیه مقدسه- ملائکه را شـگفت‌زده کرده که اگر این بشـر است، پس این همه مردمی که اسیر هوا و هوس خود شده و بنده زر و مال و گرفتار ظلم، تجاوز، شرک و کفرند، کیستند؟!

با چنین حُسن و ملاحت اگر اینان بشرند

ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند

این موقف، شـرایطی بود که برای هیـچ یـک از انبیا و اولیا؛ نه آدم و نوح و ابراهیم و موسـی و عیسـی و نه شـخص اول عالم امکان، حضـرت خـاتم الانبیـاء صـلّی الله علیه و آله و نه برای حضـرت ابو الاولیـا، امیر المؤمنین علیه‌السـلام و نه برای سایر ائمه هـدی علیهم السلام پیش نیامد و این موقف، مختص به خود آن حضرت بود و این ظهور و جلوه کرامت انسانیت تنها در این موقف، تجلی نمود. هر انسانی که بخواهـد از این موقف عظیم چیزی بگویـد یا بنویسـد اگر در اوج قدرت علمی و ادبی باشد، متحیر می‌شود که از کجا شروع کند و کدام یک از ابعاد بی منتهای این موقف الهی را مطرح نماید.

اگر کیهان شناسان، علمای هیأت، صاحبان معرفت و ارباب اطلاع از این جهان پهناور که تعداد کهکشان‌هایش را تا یکصد و بیست میلیارد هم شـماره کرده‌اند و اگر دیگران و دیگران که در رشـته های شـناخت اجزای این جهان هستی از انسان، حیوان، کوه، دریا، نور، ذره و اتم و ... آگاه و با

با عاشوراییان، ص: ۴۷

اطلاع‌انـد، در برابر قـدرتی کـه ایـن مخلوقـات کوچـک و بزرگ را آفریـده، تکـبیر و تهلیـل و سـبحان الله ربّ السـموات و الأـرض

می گویند. ما قدرت بی‌انتهای همان خالق کهکشان‌ها و جمیع عالم آفرینش را در خلقت حسین، صاحب آن همه عظمت‌ها هم می‌شناسیم و تسبیح، تهلیل و تکبیر می گوییم و «فسبحان الذی خلق الحسین و اهل بیته و أولاده و اصحابه و انصاره» بر زبان جاری می کنیم.

ما خط حسین علیه‌السلام را، صراط مستقیم خط نجات و رستگاری می‌دانیم؛ خط جهاد، خط امر به معروف و نهی از منکر، خط مبارزه با کفر و بدعت، خط ایثار و فداکاری در راه حفظ اسلام، خط محکوم کردن رؤسای ضلالت و سران مروّج فسق، ملاهی و مناهی.

جایگاه عزاداری سید الشهدا علیه‌السلام

ما به این خط مشی‌ها و عزاداری‌ها و سوگواری‌ها برای حسین علیه‌السلام و به برنامه‌های سازنده و تعهد بخش عاشورا و مجالس روضه، به همه افتخار می کنیم و این مراسم را، البته در محدوده التزام به حفظ تمام ضوابط شرعی، همه ساله احیا می کنیم و با اسلام و دین و مذهب تجدید عهد می‌نماییم و همچنین عزاداری و گریه برای امام حسین علیه‌السلام و زیارت او را موجب مغفرت و آمرزش گناهان می‌دانیم و برای این برنامه‌ها، معانی عالی و تفسیرهای بلند داریم.

عاشورا و مسئولیت‌ها

باید با یاد و تذکر خاطره عاشورا و فداکاری‌های سید الشهداء و اصحاب

با عاشوراییان، ص: ۴۸

بزرگوارش در راه اسلام و دفاع از دین و مسئولیت‌های مهمی که در برابر دین، قرآن و حضرت بقیت الله، امام عصر ارواح العالمین له الفدا داریم آشنا شویم و خود را برای پیروی از اهداف کربلا و مقاصد آن امام شهدا آماده سازیم. می‌دانیم که حسین علیه‌السلام با نادانی‌ها، گمراهی‌ها، ستم‌ها و با استضعاف و استعلا مبارزه می کرد. او با مقصد یزید و با هدف ابن زیاد و افکار خبیث اموی و یزیدی مخالف بود.

شیعه و دوستدار امام حسین علیه‌السلام باید این خط حسینی را همیشه احیا نموده و سرمشق عمل خود قرار دهد. این محرّم و صفرها و این عزاداری‌هاست که اسلام را نگاه می‌دارد.

پیام سید الشهدا علیه‌السلام به جوامع انسانی

شعار

لیرغب المؤمن فی لقاء الله محقاً انی لا أری الموت إلّا سعاده و لا الحیاه مع الظالمین إلّا برماً[۳۱]

از برکت خون حسین تا ابد زنده است و ستمکاران و بی‌دینان و بدخواهان بندگان خدا را محکوم می‌نماید.

فریاد آن حضرت که در آسمان و زمین پیچید و همه را به حفظ شرف و مجد انسانیت خواند، اکنون هم بلند است و رساتر و کوبنده‌تر به گوش می‌رسد که فرمود:

با عاشوراییان، ص: ۴۹

ألا و ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذلّه و هیهات منّا الذله أبی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و انوف حمیه و نفوس ابیه من أن تؤثر طاعه اللئام علی مصارع الکرام ۳۲]

الله اکبر! این کلمات چقـدر بلنـد و شور انگیز است! چقـدر نفس انسانی بایـد شـجاعت داشـته باشد و تا چه حد باید پایبند به عزت، کرامت نفس، صبر و استقامت، رشد عقلانی و درک ملکوتی باشد تا بتواند در آن موقف که همه عزیزانش در معرض مهلکه قطعی هسـتند و شریف‌ترین و عفیف‌ترین بانوان او در خطر اسارت می‌باشند، چنین اعلام وجود و اظهار شخصیت و توانایی نفس و قدرت روح نماید.

سلام الله علیک یا اباعبدالله بأبی انت و أمّی یا لیتنا کنّا معک فنفوز فوزاً عظیماً[۳۳]

حیات دین، مرهون شهادت حسین علیه‌السلام

ای حسین! اسلام از تو زنده شد و قرآن از تو محفوظ ماند. تو ارزش و

با عاشوراییان، ص: ۵۰

بهای انسانیت را نشان دادی و کریمه «إنّی أعلم ما لا تعلمون»[۳۴] را تفسیر کردی.

ای حسـین! اسـلام غیر از تو ناصـر و یاور و نجات بخشـی نـداشت؛ تو را صدا می‌کرد و به تو شـکایت می‌نمود و این تو بودی که به یاری اسلام شتافتی و گمراهی‌ها را برطرف کردی.

لقد بذلت مهجتک فی الله و استنقذت عباد الله من الجهاله و حیره الضلاله ۳۵]

در آن اوضاع و احوالی که بنی امیه بر کشورهای اسـلامی مسلط شده بود، تمام وسایل تبلیغی را برای منحرف کردن مردم از توحید و اسلام و از اهل‌بیت علیهم السلام و برای تجدید عهد جاهلیت به کار گرفته بود. سکوت مرگبار و تسلیم در برابر آن وضع ناهنجار و آن همه اسـتکبار و تجاهر به معاصـی و گناهان، که نمونه آن، همان یزیـد الخمور و یزیـد الفهود و یزید الفسق و الفجور بود، همه جا را فرا گرفته بود و تنها صـدای حسـین، که صـدای اسـلام و صـدای قرآن بود، عالم اسـلام را بیـدار کرد و صـدای دلنواز شوق و اشتیاق او به شهادت در راه خدا، احیاگر اسلام شد.

هشدار حسین علیه السلام

گویی حسین نیز مانند جدش صلای توحید سر داده و مثل این آیه را، که

با عاشوراییان، ص: ۵۱

تبلیغات بنی امیه آن را از یاد مردم برده بود، بر آنها تلاوت می‌کرد:

قل إن کان آبائکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجاره تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیله فتربّصوا حتّی یأتی الله بأمره و الله لا یهدی القوم الفاسقین ۳۶]

دوستی دنیا، دوستی پدران، فرزندان، برادران، همسـران و خویشاوندان، اموال، تجارت و خانه و کاشانه، مردم را به سـکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر و همکاری با سـران کفر و جاهلیت کشانـده بود. این امام علیه‌السـلام بود که معنا ومضـمون این آیه را دوباره به مردم تفهیم کرد و خود عملًا آن را با همت بلند و تصمیم الهی خلل ناپذیرش به کار بست.

آن روز، امروز، فردا و فرداهـا و در هر زمـان و مکـانی این خطر وجود دارد و هشـدار قرآنی این است که اگر آنچه را که از کسان، وابستگان، مقام، ثروت و وسایل رفاهی دارید، از خدا، پیغمبر و جهاد در راه خدا بیشتر دوست می‌دارید، منتظر عذاب باشید.

مال و مقام و همه نعمت های دنیا بسـیار عزیز هسـتند اما دین، اسـلامیت، ولایت اهل بیت علیهم السـلام و احکام خدا از همه عزیزتر

می‌باشند.

با عاشوراییان، ص: ۵۲

شعار حسین علیه السلام

راه حسین علیه‌السلام، راه قرآن، راه عمل به احکام و راه افتخار به اسلام، توحید و ایمان به خداست، راه شرق و غرب و یمین و یسار نیست؛ راه افتخار به دوران های کفر و بت پرستی یا آتش پرستی و شرک یزدان و اهرمن و استکبار فرعون و نمرود و جمشید نیست.

راه حسین، راه ترویج فساد و نوازندگی، معاصی و ملاهی و فخر به این مسائل بیهوده نیست.

راه حسین، راه تجمل‌پرستی، اسراف، علو، گردنکشی واستحقارمردم نیست.

شعار حسین و ابلاغش، ابلاغ قرآنی و مساوات میان زن و مرد در ارزش های حقیقی است؛

إن المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرین والصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً والذاکرات أعدّ الله لهم مغفرة وأجراً عظیماً[۳۷]

در جامعه‌ای که از حسین علیه‌السلام پیروی می‌شود، این امور ارزش و

با عاشوراییان، ص: ۵۳

افتخار است و زنان با مردان در این ارزش‌ها باید هم‌طراز و بلکه رقابت داشته باشند و مختلط شدن آنها با بیگانگان در مجالس و محافل، در دانشگاه و مدارس، در محل کار و مدیریت‌ها و مشاغلی که در ارتباط مستمر با بیگانگان است، با شأن و پارسایی و تربیت اسلامی زن مسلمان سازگار نیست و غرب زدگی، حاکی از ضعف هویّت و شخصیت است.

فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت

در این ماه محرم و صفر، آقایان فضلا، علما، اساتید و خطبا در سخنرانی‌ها، مواعظ و منبرهایی که دارند باید توجه مردم را به این مطالب حیاتی جلب نمایند. یکی از برکات بزرگ حوزه مقدسه قم از آغاز تأسیس، همین بوده است که طلاب در فرصت های تبلیغی؛ مانند محرم، صفر و ماه مبارک رمضان برای تبلیغ دین به شهرها، روستاها و قصبات بروند و با مردم و مؤمنین ارتباط نزدیک برقرار نمایند و رشته ایمان و آگاهی همگان را به وظایف اسلامی و تعالیم دینی استحکام بخشند. در دوره طاغوت و اختناق رضاخانی این حرکت فداکارانه حوزه که با تحمل مشکلات و دشواری های سخت، توأم بود، دین، ایمان و اسلامیت این مردم خوب و عزیز را بیمه کرد. هر چه رژیم و نظام طاغوتی با زور و سرنیزه و تبلیغات، مردم را از دین، اسلام و تعهد به احکام باز می‌داشت- تا آنجا که رسوم آتش پرستی را در مدارس پایه‌گذاری کرده، پایکوبی و ستایش آتش را ترویج نمود و تعلیم ملاهی را اجباری کرد و صدها نیرنگ دیگر به کار برد- همه از برکت این ماه محرم و این منبر حسینی و این محبت و علاقه جامعه به حسین علیه‌السلام، نقش بر آب شد و عاقبت هم همین برنامه‌های تبلیغی ریشه آن فساد را از بیخ و بن برکند و رژیمی را که می‌خواست به

با عاشوراییان، ص: ۵۴

جای ملیت و تاریخ اسلامی تاریخ به اصطلاح خودش، تاریخ کوروش و آزادی صهیونیسم و ملیت آن چنانی را بر این ملت مقاوم و

مسلمان تحمیل کند، سرنگون ساخت.

ارزش‌های حسینی و وظیفه ما

انتظار از همه طبقات، از مسئولین و مقامات نظام، متصدیان امر آموزش و فرهنگ، رسانه‌های گروهی و همه اقشار مردم و طبقات عزیز این است که همه با هم در حفظ این ارزش ها، که رمز موجودیت، استقلال، عظمت، اعتلا و آبروی این کشور است همکاری نمایند و نگذارند که اشخاص مشکوک در ارکان اتحاد این مردم و تعهد آنها به خط قرآن و اسلام رخنه نمایند و با عناوین مختلف، راه نفوذ بیگانگان و به خصوص سلطه فرهنگی آنها را باز نمایند.
و همه در راه حسین علیه‌السلام، که راه حیات و راه عزت و آزادگی حقیقی است همگام و همراه شده و هر چه بیشتر برای عظمت اسلام و مسلمین سعی و کوشش نماییم و این مدرسه عمومی و همگانی حسینی را- که کلاس‌هایش در همه جا و هر مکان برقرار است و عالم و جاهل، شهری و روستایی و زن و مرد را در برمی گیرد- بهتر و فراگیرتر و جامع‌تر از گذشته برگزار کنیم.
والسلام علی مولانا أبی عبدالله و علی الأرواح التی حلّت بفنائه و علی شیعته و محبّیه و من أبکی أو بکی أو تباکی فی مصائبه و رحمة الله و برکاته [۳۸]

با عاشوراییان، ص: ۵۵

۴. عبرت‌های عاشورا

اشاره

قال الله تعالی لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب [۳۹]
السلام علی مولانا سیدالشهداء منقذ الامة من الجهالة وحیرة الضلالة ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام و علی اولاده واهل بیته و اصحابه و انصاره.
ثم السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

جامعه و عاشورا

با تشکر و تقدیر شایان از عزیزان فرزانه و عاشقان حسینی، برگزار کنندگان محترم همایش کشوری عبرت‌های عاشورا، حُسن انتخاب عنوان این همایش را به ایشان تبریک می گویم.
همان گونه که از این عنوان استفاده می‌شود، یکی از شعب مهم و متعددی که محققان در واقعه بی‌نظیر و تاریخی عاشورا باید به تفصیل در آن بحث
و بررسی نمایند عبرت‌های بسیاری است که از عاشورا برداشت می‌شود و

با عاشوراییان، ص: ۵۶

پیام های حوادث و وقایع آن است که دانستن آنها برای همگان از هر طبقه سودمند، معرفت بخش و آموزنده است.
تأمل در وقایع عاشورا هر چه ژرف‌تر و گسترده‌تر گردد، ثمرات فکری، تربیتی و ایمانی آن بیشتر خواهد بود.

جامعه به چیزی مانند این عبرت‌ها، پیام‌ها و درس‌های عاشورا نیازمند است؛ این پیام‌ها و عبرت‌ها باید به همگان ابلاغ شود؛ درمنابر، سخنرانی‌ها، مقالات و تألیفات و در ضـمن اشـعار و مراثی باید تکرار گردد؛ باید عاشورا را با این معانی عالی و با این عبرت‌ها تبلیغ نمود، تا همگان به خصوص نسل آگاه جوان، درس‌های آن را برنامه عمل و حرکت خود قرار دهند. و لا حول ولا قوهٔ الا بالله العلی العظیم.

درس‌های عاشورا

امتناع امام از بیعت با یزیـد و سـخنان آن حضـرت در جواب ولیـد، حاکم مـدینه و مروان و هجرت آن یگانه تاریـخ از مدینه به مکه عبرت انگیز و پر از معـانی و هـدایت‌های عـالی است. توقف آن حضـرت در مکه معظمه نیز متضـمن پیام‌هایی است که همه موضع شکست‌ناپذیر و غیر قابل برگشت آن حضرت را اعلام می‌کرد. خروج امام از مکه در زمانی که مردم از اطراف، بلاد و شهرها برای حـج آمـده بودند و آن خطبه تاریخی و پر از ابلاغ و ارشاد و انذار، عبرت‌انگیز، آموزنده و سازنده بود. اعزام شخصـیتی مانند مسـلم بن عقیل و پذیرفتن دعوت مردم کوفه و حوادثی که در کوفه اتفاق

افتاد و به شهادت حضرت مسلم منتهی گردید و اتفاقاتی که بین راه مکه تا

با عاشوراییان، ص: ۵۷

کربلا و روبه روشدن با حر واقع شد و آن خطبه رسا متضـمن آن جمله‌های پر از پیام و احیاگر روح غیرت و شهامت که هر صاحب بصـیرت را تکان می‌دهـد، هشـیار و بیـدار باشـی است که تا این زمان و زمان‌های بعـد، عالم انسانیت را بیدار و آگاه می‌سازد و این جمله مقاومت آموز آن

انی لا اری الموت الا سعادهٔ ولا الحیاهٔ مع الظالمین الا برماً[۴۰]

همواره بایـد ورد زبان مردم آزادی‌خواه و سـتم‌ستیز باشـد. اقتدای حر به امام در نماز، عاقبتِ خیر و فرجام کار او درس عبرت است. ملاقات امام با عبیـدالله حرجعفی و خودداری او از قبول دعوت امام و گرایش و انقلاب فکری زهیر در یک ملاقات کوتاه با امام نیز عبرت و راهنمای مردم بر گزینش آخرت بر دنیا، و شهادت و حیات جاودانی بر حیات فانی است.

باوفاترین اصحاب

ورود امـام به کربلاـ همراه بـا اهل بیت، آن شخصـیت‌هایی که برای خـدا، خلقی و بنـده‌ای عزیزتر از آنها در روی زمین نبود، ملحق شدن افرادی معدود از نخبگان و فرهیختگان عالم اسلام به آن حضرت، مواضع اصحاب تا روز عاشورا، نیل به شهادت، شور و شوق و اسـتقامت و پایـداری آنهـا که اگر جانشان هزار جان بود و جان‌نثاری در راه دین و نصـرت امام هزار بار بیشتر ممکن بود شـیفته و مشتاق آن بودند، همه برای عالم انسانیت، عبرت،

با عاشوراییان، ص: ۵۸

درس و دسـتور زنـدگی شـرافتمندانه و خداپسـندانه است. مواقـف بی‌ماننـد و حساس و اسـتقبال آنـان از تیغ، تیر، شمشـیر، مرگ و شهـادت، موقف حبیب، موقف عـابس، موقف مسـلم بن عوسـجه، مواقف آن رجال بی‌نظیر که خود امام در وصف آنها فرمود: «من اصـحابی با وفاتر و نیکوکارتر از اصحاب خود نمی‌شناسم»[۴۱]، مواقف بنی‌هاشم، موقف و بلکه مواقف حضـرت ابی‌الفضل، موقف حضرت علی اکبر و موقف قاسم هر کدام مواقفی است که تاریخ بشریت به آن افتخار می‌نماید و آیه کریمه:

انی اعلم ما لا تعلمون ۴۲]

را تفسیر می‌کند. در این میان، مواقف بانوان هم بزرگ و عظیم بود؛ همه کوه استقامت و صبر و تحمل، ذلت ناپذیر، پا برجا، امیدوار بر غلبه حق و موفقیت خود و مغلوبیت حقیقی دشمن بودند.

عبرت از سپاه سیاه

آن سی هزار یا بیشتر لشکر خون آشام، اگر چه همه اصحاب را به شهادت رساندند اما از رخنه در قدرت روحی آنها ناتوان ماندند. این مواضع برای بشر، عبرت است باید در طول قرون و اعصار بگویند و بنویسند، در مدرسه‌ها و مکتب‌ها این ایستگاه‌های درخشان را بیاموزند و درس بدهند تا بشر، خود و گوهر پاکش را بشناسد و خود را به جیفه دنیا نفروشد و معنای این کلام بزرگ علوی را درک کند:

با عاشوراییان، ص: ۵۹

الا حرّ یدع هذه اللماظهٔ لاهلها انه لیس لانفسکم ثمن الا الجنهٔ فلا تبیعوها الا بها[۴۳]

آفتاب نینوا

امّا زبان وقلم از بیان عظمت موقف شخص الهی امام علیه‌السلام و آن قهرمان بزرگ فضایل ملکوتی، خصایص قدوسی و مقامات سبوحی، عاجز و ناتوان است و مثل توصیف ذرّه و کمتر از آن از آفتاب جهان تاب، و سراب از اقیانوس‌های آب است. نواحی عظمت و موجبات بصیرت و عبرت در وجود امام، کار، قیام، مواضع و مواقف عالی و متعالی آن حضرت، بسیار و بی‌شمار است. اتصال قدرت امام به قدرت لایزال الهی در آن موضع‌گیری‌های محیر العقول مشهود است و حقیقت معنای صانع «وجهاً واحداً یکفیک الوجوه» از آن ظاهر و معلوم است.
در این سیر الی الله، اوج علو قدر انسان خلیفهٔ الله که از ملائکه، ارفع و انبل است آشکار می‌گردد. حقیقت آن سیر و حرکت، سیر به سوی کمال بی‌نهایت و تقرب بیشتر و بیشتر از کسی بود که حائز عالی‌ترین رتبه کمال و تقرب به اوست.
تمام آن چه افتخار انسانیت است؛ مانند ایمان، اخلاص، صبر، ایثار، پاسداری از شرف، عزت، حمیت، حقوق ضعفا، نفی استبداد، ظلم، استکبار و استحقار عبادالله در این برنامه الهی درخشان است.

با عاشوراییان، ص: ۶۰

امام علیه‌السلام و بیداری انسان

امام علیه‌السلام برای حفظ دین خدا و نجات امت، مصائب جانکاهی را از داغ جوانان و برادران، اسارت بانوان و شهادت اصحاب، پذیرا شد و میان آخرت، دنیا، خدا، خلق، عزت و ذلت و در نهایت میان بهشت و دوزخ و بین شهادت خود و همه بستگان عزیز اسارت اهل بیت و بیعت و تسلیم، مخیّر شد و با آن تصمیم قاطع و عزم راسخ و غیر قابل بازگشت، خدا، قرآن، اسلام و حمایت از حقوق جامعه و شهادت خود و همه آن مصیباتی را که هر کدامش برا ی اینکه تهمتن‌ترین افراد را به تسلیم وادار کند، اختیار فرمود و صدای بلند و رسای او
أَلا إِنَّ الدَّعِی بْنَ الدَّعِی قَدْ رَکَزَ بَیْنَ اثْنَتَیْنِ بَیْنَ السِّلَّهٔ وَ الذِّلَّهٔ وَ هَیْهاتَ مِنَّا الذِّلَّهٔ یَأْبَی اللّهُ لَنا ذلِکَ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤمِنُونَ وَ حُجُورٌ طابَتْ وَ طَهُرَتْ وَ أُنُوفٌ حَمِیَّهٔ وَ نُفُوسٌ آبِیَهٔ مِنْ أَنْ نُؤْثِرَ طاعَهٔ اللِّئامِ عَلی مَصارِعِ الْکِرام ۴۴]

عالم به خواب خفته اسلام را بیدار کرد.

با عاشوراییان، ص: ۶۱

قهرمانان عرصه بلا

درس‌های بزرگ و حیات بخشی که طی ظهور این استقامت و مقاومت به مردم داده شد هر یک بی‌نظیر بود؛ در ارتباط با اصحاب و انصار و شهادت یکایک آنها، شهادت جوانان بنی هاشم و جوان عالیقدری مانند علی‌اکبر با آن اوصاف و شمایل پیغمبری و برادری چون ابوالفضل العباس و شهادت کودکان و اطفال در هنگام وداع با اهل بیت علیهم‌السلام و هنگامه‌های جانگداز دیگر، مناظر و مشاهدی بودند که همه نشان آن بود که قهرمان این صحنه از قدرت و قوّتی برخوردار است که هیچ نیرو و قوه مادی و هیچ مصیبت، فشار، قساوت و جنایتی- هرچند دلخراش و غیر قابل تحمل باشد- بر او غالب نمی‌شود و او را از هدف مقدسی که دارد باز نمی‌دارد. اینها همه عبرت است و برای بشریت درس حیات، شرف، ایمان و استقامت.

پیام‌آوران عاشورا

وقایع بعد از شهادت و اسارت اهل بیت علیهم‌السلام و حضور آنان در مجلس ابن زیاد و یزید و فرصت‌های دیگر، عبرت‌انگیز، سرمشق، آموزنده و سازنده است. آن پاسخ‌های شجاعانه و پرمعنای حضرت زینب به ابن زیاد و خطبه تاریخی آن حضرت در مجلس یزید که از معجزات بزرگ به شمار می‌رود برای همیشه عبرت است؛ حقایقی که در این خطبه در چنان مجلسی بیان فرمود و توبیخ و تحقیر قدرتمندانه یزید، نیروبخش مظلومان در برابر ستمگران است. خطبه حضرت سجاد علیه‌السلام و درنهایت پیامدهای واقعه جانسوز عاشورا مانند «واقعه توابین» و استمرار یاد این

با عاشوراییان، ص: ۶۲

افتخارات که تا عصر ما و اعصار آینده به صورت مجالس روضه و هیئت‌های عزا ادامه می‌یابد برای بشریت عبرت است و دلیل قدرت حق و سستی باطل می‌باشد.

ذلک بان الله هو الحق و انّ ما یدعون من دونه الباطل و أن الله هو العلی الکبیر[۴۵]،

لقد کان لقصصهم عبره لاولی الالباب ۴۶]

وآخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین سلام الله و صلواته علی مولانا ابی عبدالله الحسین سید الشهدا و ابی الاحرار الذی بذل مهجته فی الله حتی استنقذ عباده من الجهالهٔ و حیرهٔ الضلالهٔ و سلامه علی اهل‌بیته و اولاده و اصحابه ۴۷]

با عاشوراییان، ص: ۶۳

۵. از عاشورا تا ظهور

اشاره

قال الله تعالی: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً[۴۸]

ابعاد یک حادثه عظیم

واقعه جانسوز عاشورا و شـهادت حضـرت سـید الشهدا، حادثه‌ای عظیم، یگانه و منحصر به فرد است که نظیر آن در تاریخ، نه قبل از آن واقع شده و نه بعد از آن اتفاق خواهد افتاد.

ابعاد و جوانب بسیار آن به حدی است که ورود در هر کدام موجب آگاهی از جوانب جدید و بیشتر می گردد؛ در حوادث گذشته و آینده نقش و اثر داشته و دارد و حتی می‌توان حوادث قبل از آن را هم با نگاه به این واقعه بررسی و مطالعه کرد.

البته این حادثه از لحاظ اسرار و نکات مخفی، آن قدر عظیم است که

آنچه از آن ظـاهر است با آنکه در اوج عظمت قرار دارد، در برابر آنچه از آن پنهان است قابل قیاس نیست، و چنان تکان بزرگی به عالم داد که

با عاشوراییان، ص: ۶۴

هیچ‌گاه آرام نخواهد گرفت و مانند جِرم آسمانی بزرگی است که در اقیانوس بیکران هستی بیفتد و موجی مناسب آن به وجود آید که همواره در طول قرون و اعصار با شفافیت بیشتر در گسترش می‌باشد.

جلوه‌های عاشورایی

عاشورا در همه حوادث، به خصوص وقایع عالم اسـلام، نقش دارد. وقایعی که بیان تفاصـیل و تحلیلات تاریخی آنها به بررسـی‌های عمیق و وسیع، نیاز دارد؛ وقایعی که از اعتراض آن زن از بکر بن وائل، ثوره توابین، شهادت سلیمان بن صرد و چهار هزار نفر از قیام کنندگان با او، قیام مختار و حتی آغاز دوره تسلط عبدالله بن زبیر شـروع شد و تا به امروز و در عصـر ما، انقلاب اسـلامی و سـقوط حکومت ضـد عاشورایی رضا خان و پسرش ادامه پیدا کرد، وسرانجام خدا می‌داند که تا کی و در چه زمان و عهد قریب یا بعید و پس از چه وقایع تاریخی دیگر، به قیام جهانی و ظهور حضرت مهدی موعود علیه‌السلام منتهی خواهد شد.

تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام

ظهور شخصیتی مانند حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام، با آن سیره و جلوه، قلوب دوست و دشمن را مسخّر ساخت و مانند عمر بن عبـد العزیز- که آن حضـرت را سـراج دنیـا و جمـال آخرت می‌خوانـد- اگر چه جلوه ملکوتی آن امام، خود به خود و در نهایت تمامیت و کمال، جهان را نورانی

می کرد واقعه عاشورا و نور جهانتاب حسینی نیز بر زینت و نورانیت آن

با عاشوراییان، ص: ۶۵

افزود و درخشندگی آن را مضاعف‌تر کرد.

عاشورا همچنین در مواضع حضـرت باقر و حضـرت صادق علیهما السلام اثر گذاشت و با اینکه خود آن مواضع، پر از روح و حیات بود، در روح و حیـات مواضع آنها نیز تجلی داشت؛ بر عزت، محبوبیت و تأثیر بیشتر مظلومیت حضـرت موسـی الکاظم علیه‌السـلام و موقف جهانتاب حضـرت عالِم آل محمد علیهم السـلام افزود و به طور کلی همه مقامات و ظهور درجات ائمه طاهرین علیهم السلام از آن استقامت پرمعنای حسینی علیه‌السلام، آن همه صبر و تصمیم متعالی، جلوه و جذابیتی خاص یافتند و در عین حالی که همه در کمال تمامیت بودند، اما همگی به هم پیوسته و به شـکل بزرگ‌ترین واحد نورانی کثیر الانباء و کثیر المفاخر و المآثر متجلی شدند و هنوز هم در تجلی هستند.

رابطه عاشورا با حکومت مهدوی

در مورد رابطه انتظار، ظهور، غلبه مطلق حق بر باطل، نصرت اسلام، حکومت واحده اهل بیت علیهم السلام در آخر الزمان و قیام آن یگانه جهان و نادره دوران و نابغه اعصار و ازمان، با عاشورا و آن نهضت الهی و بروز آن قدرت معنوی و حقیقی نیز علاوه بر نکته‌های گفته شده، درس‌ها، فلسفه‌ها و اسرار ناگفته بسیار است.

می‌توان گفت یک هدف از برقراری حکومت جهانی حَقه به دست یداللهی حضرت مهدی علیه‌السلام، تدارک و جبران ظلم و ستم‌های وارد بر اهل بیت علیهم‌السلام، مصائب جانکاه، تحقق وعده‌های الهی و بلکه عکس‌العمل تحمل آن مصائب در راه دین و دفاع از اسلام می‌باشد که بر

با عاشوراییان، ص: ۶۶

حسب آیات و روایات است؛ اگر چه در این دنیا و عالم کوچک، تدارک پاداش و ثواب عاشورای حسین علیه‌السلام فراهم نیست اما در جهان وسیع و پهناور آخرت به گونه‌ای که مقتضای صفات جمال و کمال الهی است، برنامه وافی و کافی آن اجرا خواهد شد و جایگاه رفیع و بلند روز عاشورا در بُعد و معنا و جلوه خودش که جز در آن عالم، ظهور و نمایش نمی‌پذیرد، آشکار خواهد گردید.

متأسفانه قلم و بیان ما از توصیف آن مطالب، اعزاز و اکرامی که خدا از حسین علیه‌السلام می‌نماید و همچنین بیان روابط عاشورا با قیام حضرت بقیهٔ‌الله ارواح العالمین له الفداء عاجز و ناتوان است و هر مقدار که هر کس بگوید، از حد درک خود و درکی که از این معانی در این جهان ممکن است، بیشتر نخواهد بود. برای آشنایی با مقام جلال و جمال و تقرب حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام به حضرت ذوالجلال والاکرام و تماشای جلوه نورانی حسین علیه‌السلام در روز عاشورا، که هر چه مصیبات آن حضرت افزون‌تر می‌گردید بر جمال جسمانی‌اش نیز افزوده می‌شد، باید منتظر آن روز و جهان آینده باشیم. اگر چه از درک حقیقت ربط روز حسین و روز مهدی علیهما السلام در افق بلند و متعالی آن عاجزیم؛ لیکن از بعض جمله‌های احادیث و زیارات و ادعیه، نکاتی استنباط می‌شود که آموزنده و در سطحی بسیار عالی آن را معرفی می‌نماید. حتی استمرار ولایت و امامت که منتهی به امامت حضرت مهدی علیه السلام می‌شود مرتبط به شهادت سید الشهدا علیه‌السلام معرفی می‌گردد و این یک معنا و سرّی است که علاوه بر آنکه از

با عاشوراییان، ص: ۶۷

بُعد معنوی دارای اهمیت خاص است از ابعاد دیگر مثل جامعه‌شناسی نیز موجه و مثبت است.

از عاشورا تا رجعت

ارتباط دیگر عاشورا با آخر الزمان و ظهور حضرت صاحب الامر علیه‌السلام مسئله رجعت است که بر حسب آن، دشمنان اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً قتله سید الشهداء علیه السلام و کُشندگان اصحاب بزرگوار آن حضرت و ستمکاران و کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ظلم کرده‌اند و هم چنین شخص آن حضرت، با اصحاب و انصار عالی‌مقام و کسانی که خدا می‌خواهد، به دنیا رجوع می‌نمایند، و قتله سید الشهداء علیه السلام و ظالمان دیگر، عواقب سوء دنیوی اعمال خود را می‌بینند. در این ظهور، عنایات الهیه بر اهل ایمان و شیعیان ظاهر می‌شود و برکات زمین و آسمان آشکار می‌گردد. از بینش دیگر می‌توان تأویل کامل آیاتی چون: «و نرید نمنّ علی الذین استضعفوا ...»[۴۹] را همان رجعت علوی و حسینی دانست و کلام معجز نظام امیر المؤمنین علیه السلام را که فرمود:

لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها و تلا عقیب ذلک و نرید أن نمنّ علی الذین ...[۵۰]

با عاشوراییان، ص: ۶۸

به همان معنای ظاهر آن دلیل دانست و از آنجا که این عطف دنیا نسبت به شخص آن بزرگواران، محقق می گردد، معانی آیه «وعد الله الذین امنوا منکم ...»[۵۱] و آیات دیگر و خروج دابهٔ الارض- که به امیر المؤمنین علیه‌السلام تفسیر شده- عینیت می‌یابد.

انتظار فرج، انتظار تحقق همه این وعده‌های قرآنی و وحیانی است. هم انتقام از اعداء الله و اعداء آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین گرفته می‌شود؛ و هم از بازماندگان فکری و اعتقادی آنها، که در عصر ظهور وجود دارند؛ همان‌ها که به یزید و معاویه و دیگران از اعدای اهل بیت علیهم السلام افتخار می‌کنند و در مثل زمان ما کتاب «حقائق عن امیر المؤمنین یزید بن معاویه» می‌نویسند و کتاب «العواصم من القواصم ابن عربی» را نشر می‌دهند و بر آن شرح و تعلیق می‌نویسند.

آخر الزمان عنوان و اصطلاح وسیعی است که ما در انتظار آن هستیم و برنامه‌های گسترده‌ای که در آن زمان، اجرا خواهد شد، همه در مسیر جهانی شدن حق و پیروزی مطلق آن بر باطل و قلع و قمع اعداء الله و اعداء الرسول و اهل بیته و النواصب می‌باشد، البته ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام و حکومت عدل جهانی آن حضرت به مثابه هسته مرکزی آن وقایع است و همه ما در زیارت عاشورا آن ظهور و حضور را از خدا مسئلت می‌نماییم.

ظهور، استمرار عاشورا

به تعبیری می‌توان گفت که ظهور و رجعت، همه مکمل بعثت و واقعه

با عاشوراییان، ص: ۶۹

ولایی- تاریخی غدیر و برنامه‌ای است که سید الشهدا علیه‌السلام اجرا فرمود. از بعضی روایات و القاب آن حضرت و از پیوستگی این معانی و ربط این برنامه‌ها با سیره و عمل شخص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه طاهرین علیهم السلام و حضرت صدیقه علیها السلام آشکار می‌شود که آنها در عین استقلال، با هم مرتبط بوده و هدف از همه، تحقق اغراض الهی است. «لا یعلم تفاصیلها وعظم ما فیها من الاسرار الا الله والذین اختصهم به».

سخن را در این موضوعِ کثیر المطالب و وسیع الابعاد آنها با روایتی به پایان می‌رسانیم که در آن فضل نصرت سید الشهدا علیه‌السلام به نصرت حضرت مهدی علیه‌السلام تشبیه شده است و از آن استفاده می‌شود که ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام ادامه همان موقف آن امام مظلوم است.

روایت را خود حضرت امام حسین علیه‌السلام در ضمن خطبه‌ای بر حسب بعضی کتب مقاتل انشا فرموده‌اند. آن حضرت از جد بزرگوارشان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت فرموده است به این لفظ

قال علیه‌السلام و من واسانا بنفسه کان معنا غداً فی الجنان نجیاً من غضب الرحمان و قد قال جدی رسول الله صلی‌الله‌علیه وآله ولدی حسین یقتل بطف کربلاغریباً وحیداً عطشاناً فریداً فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده القائم ۵۲] و[۵۳]

با عاشوراییان، ص: ۷۱

فصل سوم: رسالت عاشورایی ما

اشاره

با عاشوراییان، ص: ۷۳

۶. پاسداری از شعائر حسینی

اشاره

ذلک و من یعظم شعائر الله فانّها من تقوی القلوب ۵۴]

ارزش حفظ شعائر

از بزرگ‌ترین شـعائر تشـیع و ولای اهل بیت رسالت علیهم السلام اقامه مراسم عزاداری و سوگواری برای حضرت سید الشهداء، ابی عبد الله الحسین علیه الصلاهٔ و السلام و کحل الله ابصارنا بتراب مقدم زوار حرمه می‌باشد.
این شعائر، شعائرالله، شعائر اسلام، شعائر مجد و عظمت موحدین و خداپرستان و معالم انسانیت است.
تعظیم این شـعائر هر چه باشـکوه‌تر انجام شود، دل‌ها را بیشتر و بیشتر به خلوص نیت، صبر، استقامت و فداکاری در راه احیای حق و اعلای کلمه اسلام نائل می‌سازد و ظلم، استبداد، شرک و استضعاف را محکوم می‌نماید.
مکتب جهاد و مدرسه عظمت‌های انسانی در این شعائر زنده می‌شود و
فریاد حسین علیه‌السلام

با عاشوراییان، ص: ۷۴
انی لا اری الموت الا سعادت و لا الحیاهٔ مع الظالمین الا برما[۵۵]
بدن‌های مستکبران را می‌لرزاند و ارکان استکبار آنان را منهدم می‌سازد.

درس عزت

شعائری است که در طول تاریـخ به انسان‌ها درس می‌دهـدکه سـربلند، عزیز و با افتخار زنـدگی کنید و به ذلت، پستی و هر چه دون شأن انسانیت است تن در ندهید و همگان، همیشه در هر جا و هر مکان با بزرگ مجاهد آل محمد صلوات الله علهم اجمعین و رهبر آزاد مردان جهـان، ابوالشـهداء و سـید الاحرار فریاد «هیهات من الذلـهٔ» را سـر دهیـد و به خواری و دون همتی گردن ننهیـد که علی علیه‌السلام، امیر مؤمنان، پدر بزرگوار حسین علیه‌السلام فرمود:
الا حر یدع هذه اللماظهٔ لأهلها انه لیس لأنفسکم ثمن الا الجنهٔ فلا تبیعوها الا بها[۵۶]
اگر می‌خواهید به پیشتازان صحنه شهادت کربلا تأسی کنید خود را به غیر از خدا، ثواب خدا و بهشت خدا نفروشید.

با عاشوراییان، ص: ۷۵

بایدهای مراسم حسینی

این شعائر به هر صورت و به هر مظهر و جلوه‌ای اقامه شود، مقدس است و برگزارکنندگان آن، مورد ستایش و تحسین خواهند بود.

با این شعائر می‌توان دعوت اسلام را بیش از پیش جهانی کرد و دنیا را مجذوب حقایق این دین حنیف نمود.
به طور یقین حضرت بقیهٔ الله ارواح العالمین له الفداء در بعضی از این مراسم شرکت فرموده و با عزاداران حسین علیه‌السلام همکاری کرده‌اند.
بدیهی است این مراسم و شعائر باید تا آنجا که ممکن است از ریا، شوائب، هرگونه عمل نامشروع و حرام پاک و منزه باشد و همه جلوه‌های آن، جلوه های حمایت از حق، امر به معروف و نهی از منکر و کوبیدن باطل و معصیت باشد.[۵۷]

با عاشوراییان، ص: ۷۶

۷. مسئولیت‌های عاشورایی

اشاره

السلام علیک یا ابا عبدالله و علی ارواح التی حلت بفنائک اشهد انک بذلت مهجتک فی الله حتی استنقذت عباده من الجهالهٔ و حیرهٔ الضلالهٔ و احییت نظام الدین صلوات الله علیک و علی اهل بیتک و علی اصحابک و رحمهٔ الله و برکاته ۵۸]
مکتب حیات‌بخش حسینی علیه‌السلام اگر چه در دوره سال و هر زمان و هر مکان به روی شیفتگان اهل بیت علیهم السلام باز است و در طول سال، برکات آن مورد استفاده است، اما در ماه محرم و صفر و به خصوص عاشورا و اربعین به طور گسترده و با وسعتی بی‌نظیر گشایش یافته و همه را از پیر و جوان، زن و مرد، شهروندان و روستاییان به سوی خود جلب و
جذب می‌نماید و به شکل یک دانشگاه عامِ خود برخاسته با صدها هزار

با عاشوراییان، ص: ۷۷
مجلس درس و تعلیم و تربیت و ده‌ها هزار معلم و مربی تشکیل می‌شود و دانشمندان طراز اول و علمای علوم و فنون و سایر طبقات زیر پوشش آن قرار گرفته و به کسب فیض از آن نائل می‌شوند. سخن گفتن پیرامون این مکتب الهی و فواید و منافع آموزشی و پرورشی آن و امکاناتی که برای بهره‌گیری‌های بسیار بزرگ در ساخت سالم‌ترین و بهترین جوامع انسانی در آن وجود دارد به تألیف کتاب‌ها نیاز دارد.

پیام مکتب حسین

مکتب حسین علیه السلام مکتب حیات و مکتب کمال و مکتب آگاهی و بصیرت، مکتب عزت، شهادت، اخلاق، معرفت، ایثار، فداکاری، حق، ایمان، توکل و اعتماد به خداوند متعال است. پیام‌های عالی آن، همه انسان‌ساز، پیشتاز، افتخارآفرین، دلربا و دلنشین است. اسرار بزرگی که در آن است عقول عالیه را متحیر نموده و بسیاری از غوامض مطالب انسانی را در عالم آفرینش، تفسیر می‌نماید و عظمت مقام انسان که از همه مخلوقات بالاتر و بهتر است را آشکار می‌گرداند؛
لقد کان فی قصصهم عبرهٔ لاولی الالباب ۵۹]
در اینجا نمی‌خواهیم و نمی‌توانیم که پیرامون این معانی عالی سخنی بگوییم؛ هزارها مقاله و کتاب نوشته و گفته شده و هر چه بگوییم باز هم مجال سخن گفتن گشوده است.
این شرح بی‌نهایت کز وصف یار گفتند

حرفی است از هزاران کاندر عبارت آمد

با عاشوراییان، ص: ۷۸

حوزه علمیه در خدمت مکتب عاشورا

حوزه علمیه کهنسال قم، در این دوره جدید که ازسال ۱۳۴۰ ه‍.ق به همت مرحوم آیت الله العظمی حائری قدس سره بازگشایی شد در کنار برنامه‌های تحصیلی، علمی و تحقیقی و تربیت اساتید بزرگ، علما، آیات، مراجع، مؤلفان، گویندگان، وعاظ و مبلّغان لایق، موضوع تبلیغ و نشر معارف دین و آثار و احادیث اهل بیت علیهم السلام و آشنا کردن جوامع شهری و روستایی و خلاصه همه جامعه را با احکام اسلام نیز نصب العین قرار داد و در این راه با استفاده از مکتب حسینی و علاقه باطنی و پاک مردم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام به خصوص واقعه جانسوز کربلا بهره‌ها گرفته و علاوه بر ماه مبارک رمضان و فرصت‌های دیگر در ماه محرم در پرتو بیان مصائب آن حضرت و مقاصد نهضت بی‌نظیر کربلا، این مدرسه الهی هدایت و ارشاد، در طول بیش از هشتاد سال که از عمر با برکت آن می‌گذرد، خدمات تبلیغی خود را ادامه داده است و در برابر انحرافات، کج‌روی‌ها، کج‌فهمی‌ها، بدعت‌ها و اختناقی مثل اختناق رضاخانی، ایستادگی‌ها نموده و مواضع و مقاومت این حوزه در ابطال باطل و حفظ عقاید جامعه همواره مؤثر و کارساز بوده است.

اکنون که محرم سال ۱۴۲۳ ه‍.ق را استقبال می‌نماییم، به همان شیوه مرضیه، علما، فضلا، طلاب عزیز، خطبا و مبلغان حوزه برای ایفای نقش و مسئولیت‌های بزرگی که روحانیت در رساندن احکام، هدایت، تبلیغ، احیای شعائر اسلام و معارف مکتب راستین تشیّع و ولایت به عهده دارند، عازم بلاد، قراء، قصبات، نقاط دور دست در داخل و خارج ایران می‌باشند؛

با عاشوراییان، ص: ۷۹

از خداوند متعال برای همه توفیق و تسدید و عنایات خاصه آقایشان و آقای همه، حضرت بقیهٔ الله، ارواح العالمین له الفداء را مسئلت می‌نمایم. امید است همه به فتوحات بزرگ نائل شده و با همکاری امت عزیزومخلص وشیعیان پاکباز حضرت سید الشهدا علیه‌السلام، مراسم و شعائر عاشورای حسینی و ماه محرم امسال باشکوه‌تر و پربارتر از سال‌های گذشته برگزار گردد.

نکاتی در باب تبلیغ عاشورا

حقیر مناسب دیدم بعضی نکات را که شاید از نظر خود آقایان و بسیاری از دیگران پنهان نباشد تذکراً به عرض برسانم:

حفظ هویت اسلامی

۱. اوضاع و احوال چنان پیش آمده است که رویارویی تازه‌ای بین اسلام و کفر را نشان می‌دهد؛ انقلاب اسلامی ایران، احیای تفکر اسلامی، گرایش مسلمانان به استقلال اسلامی و بازگشت به مجد و عظمت دیرین و خلاصه بیداری و هشیاری فراگیر به خصوص در طبقه جوان و تحصیل‌کرده و موارد دیگر موجب شده که دشمنان اسلام، که تقریباً پس از جنگ جهانی اول بر کشورهای پهناور اسلامی مستقیم یا غیر مستقیم مسلط شده و آنها را با تشکیل حکومت‌های دست‌نشانده زیر نفوذ خود قرار داده بودند، از قطع نفوذ و سلطه خود بیمناک شوند و از این رو در مقام معارضه و کوبیدن مسلمانان و صدای اسلام خواهی برآمده و با تبلیغات گسترده و وسایل گوناگون ظاهری و سرّی، سیاسی و اقتصادی و حتی توسل به نیروی نظامی، با تمام توان عمل می‌کنند. باید مسلمانان را به

استقامت، صبر، پایداری و

با عاشوراییان، ص: ۸۰

امیدواری به نصرت خدا و غلبه بر اعدا، تشویق و ترغیب نمود.

از امور مهمی که باید هر مسلمان آن را وظیفه بزرگ و اساسی خود بداند، حفظ هویت اسلامی است که همواره و به خصوص در این قرن اخیر، تغییر یا خدشه‌دار شدن و کمرنگ شدن آن را دشمنان، سیاست اصلی خود برای تسلط بر مسلمانان و از بین بردن استقلال اسلامی می‌دانند؛ ضدیت با هویت اسلامی را در همه رشته‌ها و شعب مختلف تمدن اسلامی فعال کرده و کم و بیش در کشورهای اسلامی به تضعیف آن به طور رسمی با تغییر آن نائل شده‌اند.

غرب‌گرایی و پیروی از عادات و رفتار غربی‌ها و تقلید از آنها حتی در لباس و امور به ظاهر کوچک تا برسد به امور مهم مانند ترویج اختلاط زن و مرد، عنوان‌ها و شعارهایی مثل رفع تبعیض از زنان یا به بهانه آزادی بیان و آزادی مطلق، بعضی احکام شرع را زیر سؤال بردن و ترویج موسیقی، نوازندگی، ملاهی، تشویق فراوان به اصطلاح خودشان از هنرمندان بی‌اعتنا به شرع و تنازل از شعارهای اسلامی، همه حرکت به سوی تغییر هویت اسلامی یا تضعیف آن می‌باشد.

باید به مسلمان‌ها هشدار داده شود که به خطرات این گرایش‌های غرب مآبانه که متأسفانه گسترده می‌شود، توجه داشته باشند و هویت اسلامی‌شان را از جان خود هم عزیزتر بدانند و در همه جا و در همه مواضع به آن ملتزم و متعهد باشند و به آن افتخار کنند؛ به اسلام، به قرآن، به تشیع، به ولایت ائمه علیهم السلام افتخار کنند و تمدن و اخلاق اسلامی را برتر از هر تمدن، اخلاق و مدنیت بدانند.

با عاشوراییان، ص: ۸۱

ما به عزت تشیع، عزت عزاداری سید الشهدا علیه‌السلام، به اصحاب آن حضرت، به حضرت عباس، به حبیب بن مظاهر، به مسلم بن عوسجه، و به حجر بن عدی و مفاخر بزرگ اسلام و تشیع، به همه افتخار می‌کنیم.

ولله العزة العزة لله و لرسوله و للمؤمنین ۶۰]

شناخت اقلیم‌های تبلیغی

۲. بدیهی است درسخنرانی‌ها و منابر و مطالب، حدیث شریف و پرمعنای

حدثوا الناس بما یفهمون او یعرفون و لا تحدثوهم بما لا یفهمون او لا یعرفون ۶۱]

دستورالعمل است و مقتضای بلاغت در کلام و تکلم به مقتضای حال نیز همین است و برنامه انبیا علیهم السلام در تبلیغ نیز همین بوده و مناسب این است که در هر منطقه و ناحیه‌ای بررسی فرموده و نقاط ضعف دینی و مذهبی را، اگر در آنجا وجود دارد، شناسایی نمایید و به نحو شایسته در سخنرانی‌ها رفع آن نقاط ضعف را در نظر داشته باشید.

ارتباط با جوانان

۳. با جوانان و نوجوانان عزیز به ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان ارتباط برقرار نمایید و به گرمی از آنها استقبال و پذیرایی کنید و با حوصله به پرسش‌ها و مطالب آنان گوش فرا داده و پاسخ دهید.

با عاشوراییان، ص: ۸۲

تقارن عاشورا و نوروز

۴. امسال، آغاز سال جدیـد قمری با نوروز مقارن شـده است، در این مورد هم بایـد هویت اسـلامی، تشیع و عزای حسـینی، با همان رنـگ و مظاهر و ظواهر مشـروع همه سـاله، بلکه بیشتر و باشـکوه‌تر برگزار شود و حـالِ مصـیبت، عزاداری و سوگواری به کارهای معمـول نـوروزی مغشوش نشود و مبـارکی و میمنت سـال جدیـد قمری و شمسـی از برکت مراسم عزاداری بیمه گردد و ان شـاء الله تعالی با خیر و عاقبت و موفقیت مقرون باشد.

البته در مراسم عزاداری هم باید جداً از ملاهی و مناهی، که از موانع قبولی این شعائر بزرگ مذهبی است خودداری شود.

امید آنکه همگان در تعظی شعائر دین و سعی در اعلای کلمه اسلام و عزت مسلمین مؤید و منصور باشیم.

بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین.

والسـلام علی الحسـین و علی علیّ بن الحسـین و علی انصار الحسـین و علی الذین یعظمون ولاء الحسـین و یتبعون صـراط الحسـین و رحمهٔ الله و برکاته ۶۲]

با عاشوراییان، ص: ۸۳

۸. رسالت ذاکران اهل بیتعلیهم السلام

اشاره

قال الله تعالی «و من أحسن قولًا ممّن دعا إلی الله و عمل صالحاً و قال إنّنی من المسلمین»[۶۳]

السلام علیک یا ابا عبدالله وعلی الأرواح التی حلّت بفنائک

السلام علی المهدی الطالب بدم المقتول بکربلا[۶۴]

دانشگاه عاشورا

این روزها و شب ها و ساعاتی که می‌گذرد و ما را به سوی ماه محرم
۱۴۲۸ نزدیـک می‌کنـد، یـادآور روزها وشب‌هایی‌است‌که سیدالشـهدا علیه‌الصـلاهٔ و السـلام، راه لقاءالله و انجام یکی از بزرگ‌ترین مـأموریت هـای الهی را طی می‌فرمـود و بـه اسـتقبال مـاه محرم، روز عـاشورا و آن رسـتاخیز بزرگ و فـداکاری بی‌نظیر برای نجـات بشریت و حفظ دین می‌رفت. در آن مواقف و

با عاشوراییان، ص: ۸۴

مقامـات کـه کم‌تریـن مصـیبت هـای آن برای این بـود که افراد نیرومنـد را در برابر دشـمن به تسـلیم و قبـول ذلت وادار سـازد، امـام علیه‌السـلام اوج عظمت مقام انسانیت را به جهانیان نشان داد. همه به استقبال محرّم می‌رویم و در دانشگاه جهانی حسین علیه‌السلام، که در تمام عالم، مدرسه‌ها، دانشـکده‌ها و کلاس‌های آن تشـکیل می‌شود، از پیر و برنا، زن و مرد، عالم و جاهل، استاد و دانشجو و شهرنشـین و صحرانشـین در آن بـا کمال خضوع و خلوص شـرکت جسـته و درس ها و پیام های انسان ساز عاشورا را می‌شـنویم. به راستی چه دانشـگاهی مانند این دانشـگاه، به این وسـعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشـجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ

مفیدها و شیخ طوسی‌ها و ده‌ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب افتخار می‌نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره‌مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه‌السلام برخوردارند.

اگر چه در طول سال و همه ماه‌ها، مکتب انسان ساز سیدالشهداء علیه‌السلام تعطیل نیست اما این رمز عجیب و سر بسیار شگفت‌انگیز و حضور ده ها میلیون نفر از مردم در ماه محرم در این دانشگاه جلوه دیگری دارد. همه از این مدرسه بزرگ درس می گیرند و نسخه های علاج بیماری‌های نفسانی و معنوی را دریافت می‌نمایند.

غیر از حسین و استقامت در آن ایستگاه پر از محنت و بلیات چه کسی می‌توانست چنین حماسه‌ای را به وجود آورد و این مکتب عظیم را تأسیس نماید؟ حسینیه‌ها، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، بازارها و حتی خانه‌ها و خیابان‌ها به صورت اجتماعات بزرگ و به صورت فردی تشکیل می‌شوند.

با عاشوراییان، ص: ۸۵

شیعیان این دوره را می گذرانند، کتاب‌ها و مقالاتی را که در شرح «واقعه عاشورا» منتشر شده می‌خوانند و در کلاس های روضه و وعظ این دانشگاه حاضر می‌شوند.

جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم السلام

یکی از قشرهای عزیزی که در این دانشگاه عظیم حسینی فعالانه و مخلصانه انجام وظیفه می‌نمایند، قشر عزیز و مقدس مداح است؛ قشری که در مواقف بزرگ، مداحی آنها و اشعارشان در تاریخ، اثرگذار بوده و هست و در دفاع از حق، نقش آنها ماندگار بوده و بسا یک شعرشان جامعه‌ای را عوض کرده و انقلابی را به وجود آورده و دیکتاتورها را محکوم نموده است. اشعار و قصیده معروف فرزدق، سید حمیری، دعبل و دیگران از شعرای عرب و عجم در مداحی یا رثای اهل بیت علیهم السلام و نصرت حق، فوق العاده بوده است.

انشا و انشاد این اشعار، جامعه را به هیجان وحرکت در می‌آورد و ارواح مرده را زنده می‌سازد؛ اشعاری مانند اشعار محتشمکه همیشه عظمت حادثه بزرگ عاشورا را برای جهانیان بازگو می‌نماید.

این همایش مداحی که از سوی مداحان عزیز و نخبه استان قم، مرکز حوزه علمیه جهانی و عشّ آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و روضه منوّره مضجع کریمه اهل البیت علیهم السلام منعقد می‌شود، نوید بخش آن است که به خواست خداوند متعال با همّت بزرگان و پیشکسوتان این قشر، مداحان گرامی در ارائه خدمات مهم به اسلام و مذهب و امر به معروف و نهی از منکر، احیای اخلاق حسنه و روح اخوت ایمانی، تعاون اجتماعی و سایر

با عاشوراییان، ص: ۸۶

فضایل به توفیقات بیشتر نایل شوند و نقش آنها کامل تر و در حد ممکن بی‌عیب و نقص انجام گردد؛ تا هم در موضع مدیحه خوانی و هم در مرثیه‌گویی، مرثیه‌خوانی و ذکر فضایل و مصائب اهل بیت علیهم السلام به کسب بیشترین فیض از آنها نائل شوند.

برای تأمین این جهات باید مداحان عزیز، خود بسیج شوند و با علما، نخبگان حوزه و محققان در فنون مربوط به عزاداری اهل بیت علیهم السلام مشورت نمایند و نقاط ضعفی را که ممکن است وجود داشته باشد شناسایی کنند.

وظایف مداحان اهل بیت علیهم السلام

حقیر، با کسب اجازه از عزیزان خودم، مداحان اهل بیت علیهم السلام، در این مجال اندک به مواردی که باید بدان توجه شود

اشاره می‌نمایم:

۱. هـدف مـداحان بایـد ترویـج دین، نشـر معارف، ذکر مصایب اهل بیت علیهم السـلام و کسب درجات معنوی و اجر و ثواب الهی باشـد و در مقـام معـامله این کـار عظیم و ثواب‌هـای بزرگ آن بـا امور مادی نباشـند و بداننـد که خـدمات مخلصانه‌ای را که انجام می‌دهند اگر با تمام دنیا هم معامله نمایند، مغبون می‌شوند.

۲. مطالبی را که می‌گویید و هر سـخنی را که در هر رابطه، حتی تعریف از اشخاص بر زبان می‌آورید حق باشد و سعی کنید زبانتان به باطل نرود و آیه کریمه

ما یلفظ من قولٍ الّا لدیه رقیب عتید[۶۵]

با عاشوراییان، ص: ۸۷

را مدّ نظر قرار دهید.

۳. سـعی شود اشـعار مدایـح و مراثی که خوانـده می‌شود از جهت مضـمون، معنویت و پیـام، بلنـد و عالی و برگرفته از هـدایت های قرآنی و روایی باشد و اشعار، ضعیف و متضمن مضامین سست، خرافی و بی‌مصدر نباشد.

۴. از اشـعار اغراق آمیز و غلوّ گونه و شـعارهای غالیانه و اشـعار به اصطلاح عرفانی و صوفیانه که برخی عقاید باطله را القا می‌نمایند باید جداً پرهیز نمود.

۵. بایـد مـداحی شـعبه ای از تبلیغـات دینی و مـداحان محترم واسـطه رسانـدن معـارف دین و پیام های ائمه معصومین علیهم السـلام باشـند. از این رو چاکران با اخلاص آسـتان مقدس حسـینی اولًا در تصـحیح عقاید و ثانیاً تهذیب اخلاق خود کوشش فراوان نمایند که با سـیما، سیره و عمل نیز بر تأثیر مضامینی که به شعر یا به نثر القا می‌کنند بیفزایند و مصداق «الموعظه إذا خرجت من قلب وقعت فی قلب»[۶۶] گردد.

۶. بـدیهی است آنچه بیشتر، نهاد مداحی را مطرح کرده و سـبب ظهور آن بوده و هست، مدح اهل بیت علیهم السـلام و به خصوص ذکر مصیبات آن بزرگواران و به ویژه مصائب حضـرت سـید الشـهدا علیه‌السـلام است که حتی در مختصرترین صورت آن، موجب بهشت می‌شود اما مداحان گرامی باید

برای بیدار کردن مردم و رشد عقلانی و فکری آنها از اشـعار با معنا و معرفت‌بخش و پند آموز در ستایش، حمد و تذکر نعمت های الهی استفاده نمایند.

با عاشوراییان، ص: ۸۸

مجلس عزای اهل بیت، دار الرحمه

در پایان، این نکته را باید متذکر شوم که مجالس عزاداری حضـرت خامس آل عبا، سـید الشـهدا علیه‌السلام، از برترین و با فضیلت تریـن مجالسـی اسـت که فرشـتگان الهی در آن افتخـار حضـور دارنـد و برای کسب تقرب مقـام، در آن شـرکت می‌نماینـد. مجلس عزاداری و مداحی، دارالشفاء، دارالرحمه و دارالبرکه می‌باشد.

حضور در این مجالس و عرض ادب به ساحت مقدس سالار شهیدان را غنیمت شمرده و بر آن شاکر و سپاسگزار باشید.

ای کـاش این حقیر برای جفت کردن کفش عزاداران در آن مجلس توفیـق پیـدا می‌کردم و بـا مـداحان و عزاداران در سوگـواری و عرض ادب به محضر مقدّس ثار الله شریک می‌شدم.

یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً[۶۷]

با عاشوراییان، ص: ۸۹

فصل چهارم: عاشورا در عاشورا

اشاره

با عاشوراییان، ص: ۹۱

۹. عاشورای مشهد الرضا

لا حول و لاقوۀ الا بالله العلی العظیم

زمانی که در اثر انقلاب عظیم اسلامی ایران و تلاش‌ها و مجاهدات مصلحین بزرگ در سراسر عالم اسلام همه مسلمانان، به خصوص نسل جوان و تحصیل کرده در زیر لوای وحدت، امّت اسلامی واحده را پی‌ریزی کرده و دل‌های همگان سرشار از عشق و محبت به توحیدِ کلمه شده است؛ تفاهیم و تجاوب و هم‌زبانی و هم‌دردی همه را به هم نزدیک و الفت داده و وحدتی بی‌سابقه در جهان اسلام حاکم شده و معنای «اذلۀ علی المؤمنین» و «اعزۀ علی الکافرین» و «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» مستکبرین را سخت به وحشت انداخته است؛ در چنین موقعیتی عوامل وابسته به اعدای اسلام و استکبار جهانی از اینکه با منطق و استدلال، اهداف تخریبی خود را به کسی بقبولانند عاجزند و جز ویرانگری و اعمال وحشیانه و ضدّ اصول انسانی راهی برای نیل به اهداف شوم تفرقه‌انگیز و ایجاد کینه و دشمنی بین مسلمین پیدا نکرده‌اند.
امسال این عواملِ جنایتکار در روز عاشورا، عاشورای دیگری به وجود آورده و یکی از وحشیانه‌ترین جنایت‌ها را- که جهان اسلام را در سوگ

با عاشوراییان، ص: ۹۲

و مصیبت فرو برد- مرتکب شدند و در بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیّۀ و الثناء حرم مطهرِ آن سلاله پاک پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مورد جسارت و اهانت قرار داده، و با تعبیه بمب در جوار آن مرقد شریف جمعی از مسلمانان را که در حال عبادت و توجه به خداوند متعال بودند شهید و مجروح کرده و بخشی از آن آستان فرشته دربان را منهدم و تعدادی از مجلّدات قرآن مجید را به آتش کشیده و سوزانده‌اند.
عمق عظمت این فاجعه دلخراش که لکه ننگ تاریخی بزرگ بر دامن این از خدا بی‌خبران است با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست؛ کسانی که مرتکب مثل این جنایت می‌شوند بویی از انسانیت نبرده، و آنان سپاه یزید و سپاه شمر و ابن زیاد و سپاه حجاج هستند.
این‌جانب به همه مسلمانان جهان و علمای تشیع و تسنن هشدار می‌دهم که این ایادی مزدور با تمام قوا عزّت و کیان امّت اسلام را هدف قرار داده‌اند، و اگر همه زعمای اسلام فکری برای جلوگیری از فساد این مفسدین ننمایند باید گفت: «و علی الإسلام السلام».
بایـد همه دولت‌های اسلامی و همه علما و اقطاب فکری این اعمال را شدیداً استنکار نمایند و برائت خود را از عمّال این جنایت

بزرگ ابراز دارند.

این‌جانب این مصیبت عظمی و فاجعه کبری را به پیشگاه حضرت بقیةالله ارواح العالمین له الفداء و خانواده‌های محترمِ عزیزانی که در این حادثه جانکاه به فوز عظیم شهادت نائل شده‌اند تسلیت عرض نموده، شفای مجروحین این

با عاشوراییان، ص: ۹۳

جنایت را از خدای بزرگ خواهانم و اعلام می‌دارم که چه این عوامل بخواهند و چه نخواهند عظمت اسلام و قدرت مسلمین تجدید خواهد شد و حریم حرمت آستان ملائک پاسبان حضرت رضا علیه السلام و سایر اعتاب مقدسه با این اهانت‌ها شکسته نخواهد شد و یقین است که آثار سوء این جنایت بزرگ به زودی دستگیرِ عوامل آن شده و خداوند متعال آنها را رسوا نموده و به کیفر کردارشان در دنیا و آخرت خواهد رساند.

وما ذلک علی الله بعزیز[۶۸]

فلا تحسبنّ الله مخلف وعده رسله ان الله

عزیز ذو انتقام ۶۹] و[۷۰]

با عاشوراییان ؛ ص۹۴

با عاشوراییان، ص: ۹۴

۱۰. عاشورای خونین ۱۴۲۵

اشاره

ثلمة فی الاسلام عظیمة

یزیدیان زمان

حوادث فجیعه بسیار دلخراش و تکان دهنده کشتار و ترور عام زائران و عزاداران پاک نیت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در شهرهای مقدس کربلا و کاظمین در روز عاشورا، عمق دد منشی و درنده خویی عاملان آن و کسانی را که در پشت این ترورها قرار دارند آشکار نمود و به دنیا اعلام خطر کرد که اگر بنی امیه، یزید، ابن زیاد و شمر با ظلم‌هایشان عالم وجود را تکان داده و مصیبت‌زده کردند، یزیدیان، بنی امیه، بنی مروان و بنی زیاد زمان در روز عاشورا با ترور مسلمانان بی‌گناه در کربلا، در جوار روضه مقدسه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و در کاظمیه، در جوار حرم مطهر دو امام معصوم، دوباره عاشورا آفریدند و جنایات عاشورا را تجدید کردند. این ترورها و عاملان آن، بشریت را در برابر سباع و درندگان شرمسار نمودند؛ نمی‌توان رذالت، شرارت و قساوت این اعمال ددمنشانه را با زبان و قلم

توصیف و محکوم نمود؛ هر جمله وکلمه‌ای که برای محکوم کردن آن به

با عاشوراییان، ص: ۹۵

کار برده شود عمق این جنایت و اوج بی‌رحمی و بی‌شرمی عاملانش را بازگو نمی کند.

بدیهی است مسئولیت سنگین امنیت عراق و این وقایع تلخ و ناگوار بر عهده اشغالگران است، آنها باید پاسخ بدهند و از طرف جوامع بین المللی مورد بازخواست و مؤاخذه، قرار بگیرند.

اینجانب، این مصیبت عظیم را به پیشگاه اقدس حضرت ولی عصر مولانا المهدی ارواح العالمین له الفداء و به عموم شیعیان مظلوم جهان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام و به وجدان‌های بیدار بشری و اهالی محترم کربلا، کاظمین، حوزه‌های علمیه به مخصوص حوزه های علمیه اعتاب مقدسه و به خانواده‌هایی که کسان، فرزندان و بستگانشان به شرف شهادت نایل شده‌اند تسلیت عرض می‌نمایم و از خداوند قهار منتقم، قلع و قمع ریشه‌های فساد و مجازات دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را مسئلت می‌نمایم.[۷۱]

با عاشوراییان، ص: ۹۹

آثار علمی حضرت آیت الله العظمی صافی

نام کتاب------ زبان------ ترجمه

فقه:

۱- توضیح المسائل------ فارسی---------

۲- منتخب الاحکام------ فارسی---------

۳- احکام نوجوانان------ فارسی------ انگلیسی

۴- جامع الاحکام در ۲ جلد------ فارسی---------

۵- استفتائات قضایی------ فارسی---------

۶- استفتائات پزشکی------ فارسی---------

۷- مناسک حج------ فارسی------ عربی

۸- مناسک عمره مفرده------ فارسی------ عربی

۹- هزار سؤال پیرامون حج------ فارسی---------

۱۰- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد------ فارسی---------

۱۱- اعتبار قصد قربت در وقف------ فارسی---------

۱۲- رساله در احکام ثانویه------ فارسی---------

۱۳- فقه الحج در ۴ جلد------ عربی---------

۱۴- هدایهٔ العباد در ۲ جلد------ عربی---------

۱۵- هدایهٔ السائل------ عربی---------

۱۶- حواشی علی العروهٔ الوثقی------ عربی---------

۱۷- رسائل الخمس فی فقه الإمامیهٔ------ عربی---------

۱۸- صلاهٔ المسافر------ عربی---------

۱۹- فقه الخمس------ عربی---------

۲۰- أوقات الصلوة------ عربی--------

۲۱- الاحکام الشرعیهٔ ثابتهٔ لاتتغیّر------ عربی------ فارسی

۲۲- التعزیر (احکامه و ملحقاته)------ عربی--------

با عاشوراییان، ص: ۱۰۰

۲۳- ضرورهٔ وجود الحکومهٔ او ولایهٔ الفقهاء فی عصرالغیبهٔ (الخمس و ولایهٔ الفقیه)------ عربی------ فارسی

۲۴- رسالهٔ فی معاملات المستحدثهٔ------ عربی--------

۲۵- التداعی فی مال من دون بینهٔ و لا ید------ عربی--------

۲۶- رسالهٔ فی المال المعیّن المشتبه ملکیته------ عربی--------

۲۷- حکم نکول المدعی علیه عن الیمین------ عربی--------

۲۸- ارث الزوجهٔ------ عربی--------

۲۹- مع الشیخ جاد الحق فی ارث العصبه (مسألهٔ التعصیب)------ عربی--------

۳۰- حول دیات ظریف ابن ناصح------ عربی--------

۳۱- بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعیهٔ الاستخارهٔ)------ عربی--------

۳۲- الشعائر الحسینیه------ عربی--------

۳۳- آنچه هر مسلمان باید بداند------------ ترکی

اصول فقه:

۳۴- بیان الاصول در ۳ جلد------ عربی--------

۳۵- رسالهٔ فی الشهرهٔ------ عربی--------

۳۶- رسالهٔ فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبههٔ الحکمیهٔ------ عربی--------

۳۷- رسالهٔ فی الشروط------ عربی--------

قرآن و تفسیر:

۳۸- تفسیر آیه فطرت------ فارسی--------

۳۹- القرآن مصون عن التحریف------ عربی--------

۴۰- تفسیر آیهٔ التطهیر------ عربی--------

۴۱- تفسیر آیهٔ الانذار------ عربی--------

عقاید و کلام

۴۲- عرض دین------ فارسی--------

۴۳- به سوی آفریدگار------ فارسی--------

۴۴- الهیات در نهج‌البلاغه------ فارسی--------

۴۵- معارف دین ۲ جلد------ فارسی--------

۴۶- پیرامون روز تاریخی غدیر------ فارسی--------

۴۷- ندای اسلام از اروپا------ فارسی--------

با عاشوراییان، ص: ۱۰۲

۴۸- نگرشی بر فلسفه و عرفان------ فارسی--------

۴۹- نیایش در عرفات------ فارسی--------

۵۰- سفرنامه حج------ فارسی--------

۵۱- شهید آگاه------ فارسی--------

۵۲- نوید امن و امان------ فارسی--------

۵۳- پاسخ ده پرسش------ فارسی--------

۵۴- اصالت مهدویت------ فارسی--------

۵۵- تجلی توحید در نظام امامت------ فارسی------ عربی

۵۶- نظام امامت و رهبری------ فارسی--------

۵۷- ولایت تکوینی و ولایت تشریعی------ فارسی--------

۵۸- پیرامون معرفت امام------ فارسی--------

۵۹- عقیده نجات بخش------ فارسی--------

۶۰- به سوی دولت کریمه------ فارسی--------

۶۱- باورداشت مهدویت------ فارسی------ عربی

۶۲- انتظار، عامل مقاومت و حرکت------ فارسی--------

۶۳- فروغ ولایت در دعای ندبه------ فارسی------ عربی

۶۴- معرفت حجت خدا------ فارسی------

۶۵- وابستگی جهان به امام زمان------ فارسی--------

۶۶- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه------ فارسی------ انگلیسی

۶۷- امامت و مهدویت------ فارسی------

۶۸- پیام‌های مهدوی------ فارسی--------

۶۹- گفتمان مهدویت------ فارسی------ انگلیسی

۷۰- گفتمان عاشورایی------ فارسی--------

۷۱- مقالات کلامی------ فارسی--------

۷۲- الی هدی کتاب الله------ عربی--------

۷۳- ایران تسمع فتجیب------ عربی--------

۷۴- رسالهٔ حول عصمهٔ الانبیاء و الائمهٔ------ عربی--------

۷۵- تعلیقات علی رسالهٔ الجبر و القدر------ عربی--------

۷۶- لمحات فی الکتاب و الحدیث و المذهب------ عربی--------

۷۷- صوت الحق و دعوهٔ الصدق------ عربی--------

با عاشوراییان، ص: ۱۰۳

۷۸- رد اکذوبهٔ خطبهٔ الامام علی، علی الزهرا علیهما السلام------ عربی--------

۷۹- مع الخطیب فی خطوطه العریضهٔ------ عربی------ اردو/ فرانسه

۸۰- رسالة فی البداء------ عربی--------

۸۱- جلاء البصر لمن یتولی الائمة الاثنی عشر------ عربی--------

۸۲- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقة------ عربی--------

۸۳- من لهذا العالم؟------ عربی--------

۸۴- بین العلمین، الشیخ الصدوق والشیخ المفید------ عربی------ فارسی

۸۵- مقدّمات مفصلّة علی «مقتضب‌الاثر» و «مکیال‌المکارم» و «منتقی الجمان»------ عربی--------

۸۶- امان الامّة من الضلال والاختلاف------ عربی--------

۸۷- البکاء علی الامام الحسین علیه‌السلام------ عربی--------

۸۸- النقود اللطیفة علی الکتاب المسمی بالاخبار الدخیلة------ عربی--------

حدیث:

۸۹- منتخب الاثر در ۳ جلد------ عربی------ اردو /

انگلیسی

۹۰- قبس من مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام

(مئة و عشر حدیث من کتب عامة)------ عربی------ فارسی

۹۱- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها------ عربی--------

۹۲- احادیث الفضائل------ عربی------

۹۳- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام------ فارسی--------

تاریخ:

۹۴- سیرحوزه‌های علمی شیعه------ فارسی--------

۹۵- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)------ فارسی--------

سیره:

۹۶- پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام------ فارسی--------

۹۷- با عاشوراییان------ فارسی--------

۹۸- آینه جمال------ فارسی--------

۹۹- از نگاه آفتاب------ فارسی--------

۱۰۰- اشک و عبرت------ فارسی--------

با عاشوراییان، ص: ۱۰۴

تربیتی:

۱۰۱- ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق------ فارسی--------

۱۰۲- راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر------ فارسی------

۱۰۳- با جوانان------ فارسی------

شعر:

۱۰۴- دیوان اشعار------ فارسی--------

۱۰۵- بزم حضور------ فارسی--------

۱۰۶- آفتاب مشرقین------ فارسی--------

۱۰۷- صحیفهٔ المؤمن------ فارسی--------

۱۰۸- سبط المصطفی------ فارسی--------

۱۰۹- در آرزوی وصال------ فارسی--------

مقاله‌ها و خطابه‌ها:

۱۱۰- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)------ فارسی--------

۱۱۱- شب‌پرگان و آفتاب------ فارسی--------

۱۱۲- شب عاشورا------ فارسی--------

۱۱۳- صبح عاشورا------ فارسی--------

تراجم:

۱۱۴- زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جوادصافی گلپایگانی------ فارسی--------

۱۱۵- زندگانی جابر بن حیّان------ فارسی--------

۱۱۶- زندگانی بوداسف------ فارسی--------

---

[۱] (۱). سوره هود، آیه ۷؛ ... تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است.

[۲] (۱). سوره توبه، آیه ۱۱۱؛ خداوند جان‌ها و اموال مؤمنین را به قیمت بهشت از آنان خریداری کرده است.

[۳] (۲). سوره اعراف، آیه ۱۷۹؛ آنان مانند چهارپایان، بلکه پست‌تر هستند.

[۴] (۳). سورهانبیاء، آیه ۲۳؛(خداوند) از هر آنچه می‌کند بازخواست نشود و خلق از کردارشان بازخواست می‌شوند.

[۵] (۴). سوره بقره، آیه ۳۲؛ و تو دانایی و کارهایت حکیمانه است.

[۶] (۱). سوره توبه، آیه ۵۲؛ بگو: آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی(پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟

[۷] (۱). برای آنان آوازی بود همانند آواز زنبوران در حالی که برخی در حال رکوع، برخی در حال قیام و برخی در حال قعود بودند.

[۸] (۱). سوره بقره، آیه ۳۰؛ آیا کسانی خواهی گذاشت که در زمین فساد کنند و خون‌ها ریزند؟!

[۹] (۲). سوره بقره، آیه ۳۰، من به آنچه شما علم ندارید، آگاهم!

[۱۰] (۱). ای لشکریان خدا سوار شوید و بر حسین یورش برید که به بهشت بشارتتان باد.

[۱۱] (۱). تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۵ و ارشاد، ص ۲۳۱.

[۱۲] (۱). الکامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۵۷.

[۱۳] (۲). ارشاد، ص ۲۳۱.

[۱۴] (۱). الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۹.

[۱۵] (۲). همان.

[۱۶] (۱). اگر شمشیر آتشبار و تیراندازی آنان نبود گوش‌ها هرگز صدای تکبیر را نمی‌شنیدند.

[۱۷] (۱). شیخ کاظم ازری؛ طعن نیزه‌ها همه جوارح آنها را تغییر داد جز مکرمت‌های آنان که از هر تغییری در امان بود.

[۱۸] (۱). سوره یوسف، آیه ۳۱؛ هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ شمردند و دست‌های خود را بریدند و گفتند: منزه است خدا؛ این بشر نیست این یک فرشته بزرگوار است!

[۱۹] (۱). البته بزرگانی مثل سایر خمسه النجباء علیهم السلام نیز واجد همین قدرت روحی و توان عظیم ایمانی بودند اما اجرای این برنامه عظیم و ایستادن در موقف تاریخی و بی نظیر به عهده حسین علیه‌السلام و بر دوش آن حضرت افتاد.

[۲۰] (۲). صورت انسانیّت بزرگترین حجت های خدا بر خلق او است و آن کتابی است که خدا با دست توانای خود آن را نوشته و آن هیکلی است که به حکمت خود آن را بنا کرده و آن مجموع صورت جهان‌ها و عوالم است و آن مختصر علومی است که در لوح محفوظ است»؛ حدیث معروف است و صدر آن به این متن در تفسیر صافی، در تفسیر آیه ۲ سوره بقره نقل شده است:« الصورة الانسانیة هی أکبر حجة الله علی خلقه وهی الکتاب الذی کتبه الله بیده»

[۲۱] (۱). سوره تین، آیه ۴؛ به تحقیق که ما انسان را به بهترین صورت و نظام آفریدیم.

[۲۲] (۲). سوره مؤمنون، آیه ۱۴؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.

[۲۳] (۳). سوره بقره، آیه ۳۰؛ من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

[۲۴] (۱). سوره انعام، آیه ۱۶۲؛ نماز و تمام عبادات من وزندگی ومرگم برای خداوند؛ پروردگار جهانیان است.

[۲۵] (۱). مقتل الحسین، ابی مخنف الازدی؛ ای خدا! پناه من در هر غمی تو هستی و امید من در هر سختی تو هستی. در هر چه بر من روی آورد تو پناه و یاری کننده من هستی. چه بسیار از غم‌هایی که دل را به تپش در می‌آورد و چاره را کم می‌کند و رفیق را درمانده و دشمن را خشنود می‌کند به تو واگذار نمودم و شکایت آن را به تو کردم برای رغبتی که فقط به تو داشتم نه به غیر تو، و تو آن غم را دفع کردی. پس تو صاحب هر نعمت و هر خوبی هستی و منتهای هر آرزویی تویی.

[۲۶] (۱). سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۴؛ خداوند کلمه طیبه را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرد که ریشه آن ثابت و شاخه‌های آن در آسمان است.

[۲۷] (۲). نگاشته صبح عاشورای ۱۴۲۸ ه- ق.

[۲۸] (۱). سوره احقاف، آیه ۱۳؛ کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، پس استقامت ورزیدند، ترس و اندوهی بر آنان وارد نمی‌شود.

[۲۹] (۱). سوره نور، آیه ۳۷؛ مردانی که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا، اقامه نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. آنان از روزی می‌ترسند که درآن دل‌ها و دیدگان زیر و رو می‌شود.

[۳۰] (۱). سوره احزاب، آیه ۲۳؛ از میان مؤمنین مردانی هستند که برابر عهد خویش با خداوند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر رسانیدند و بعضی دیگر در انتظارند، و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد خویش نداده‌اند.

[۳۱] (۱). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱؛ مؤمن را بایسته است که خواهان دیدار خدا باشد که من چنین مرگی را جز سعادت و زندگی در کنار ظالمان را جز ننگ نمی‌بینم.

[۳۲] (۱). آگاه باشید که این فرومایه(ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین و دو راهی شمشیر(شهادت) و ذلت(زندگی) قرار داده است و هیهات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا ندارد و دامن‌های پاک مادران ما و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی دارد که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه مردان با فضیلت، مقدم بداریم.

[۳۳] (۲). یا ابا عبدالله سلام خداوند بر تو باد، پدر و مادرم فدای تو، ای کاش با تو بودیم؛ پس به رستگاری عظیم نائل می‌شدیم.

[۳۴] (۱). سوره بقره، آیه ۳۰.

[۳۵] (۲). به تحقیق خون خویش را در راه خدا بذل نمودی و خواهان نجات بندگان خدا از جهالت و حیرانی در ضلالت شدی.

[۳۶] (۱). سوره توبه، آیه ۲۴؛ بگو: اگر پدران، فرزندان، برادران، همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کساد شدنش هراس دارید و خانه‌هایی که بدان علاقه‌مندید، در نظرتان از خداوند، پیامبرش و جهاد در راه خدا محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذاب خویش را در میان شما آورد! و خداوند جمعیت نافرمان را هدایت نمی‌کند.

[۳۷] (۱). سوره احزاب، آیه ۳۵؛ به یقین مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان فرمانبر، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبا، مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان انفاق گر، و مردان و زنان روزه‌دار، مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که بسیار یار خدا هستند، خدا هستند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

[۳۸] (۱). پیام به مناسبت سالگشت حادثه عظیم عاشورا، محرم الحرام ۱۴۲۰ ه- ق.

[۳۹] (۱) سوره یوسف، آیه ۱۱۱؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

[۴۰] (۱). ذخائر العقبی، ص ۱۵۰؛ به راستی من مرگ(شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ملامت نمی‌بینم.

[۴۱] (۱). اما بعد فأنی لا اعلم اصحاباً اوفی و لا خیراً من اصحابی.

[۴۲] (۲). سوره بقره، آیه ۳۰.

[۴۳] (۱). نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ آیا آزاده‌ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعامی است، به اهلش واگذارد؟ به راستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانتان نیست؛ پس آن را فقط در برابر بهشت معامله کنید.

[۴۴] (۱). آگاه باشید که این فرومایه(ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین و دو راهی شمشیر(شهادت) و ذلت(زندگی) قرار داده است و هیهات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا ندارد و دامن‌های پاک مادران ما ومغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی‌داردکه اطاعت افراد لئیم وپست را برقتلگاه مردان بافضیلت، مقدم بداریم.

[۴۵] (۱). سوره لقمان، آیه ۳۰، اینها هم دلیل بر حقانیت خداوند است، و آنچه را غیر ازاو می‌خوانند باطل می‌باشد و خداوند، بلند مقام و بزرگ مرتبه است.

[۴۶] (۲). سوره یوسف، آیه ۱۱۱؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

[۴۷] (۳). پیام به همایش عبرت‌های عاشورای حسینی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ذی‌الحجه ۱۴۲۳ ه- ق.

[۴۸] (۱). سوره اسراء، آیه ۳۳؛ آن کس که مظلوم کشته شد، برای ولی او مسلط(و حق قصاص) قرار دادیم.

[۴۹] (۱). سوره قصص، آیه ۵؛ و ما اراده کردیم که به مستضعفان زمین منت گذاریم.

[۵۰] (۲). نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹؛ دنیا پس از آن که به ما پشت کرده بود به ما روی آورد روی آوردن ماده شتری به سوی بچه‌اش؛ و پس از آن، آیه را قرائت فرمود.

[۵۱] (۱). سوره نور، آیه ۵۵.

[۵۲] (۱). ناسخ التواریخ، و الدمعهٔ الساکبه؛ هر کس با نفس خویش با ما مواسات نماید فردا در بهشت با ماست در حالی که از خشم خدای رحمان رها یافته است؛ به تحقیق جدّم رسول خدا که صلوات خدا بر او و خاندانش باد فرمود: فرزندم حسین در کربلا غریبانه و تنها و تشنه به شهادت می‌رسد هرکس او را یاری کند مرا و فرزندش حضرت مهدی را یاری نموده است.

[۵۳] (۲). پیام به مناسبت حلول محرم الحرام ۱۴۲۸ ه- ق.

[۵۴] (۱). سوره حج، آیه ۳۲؛ این است(مناسک حج)؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای الهی است.

[۵۵] (۱). ذخائر العقبی، ص ۱۵۰؛ به راستی من مرگ(شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ملامت نمی‌بینم.

[۵۶] (۲) نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ آیا آزاده‌ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعامی است، به اهلش واگذارد؟ به راستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانتان نیست؛ پس آن را فقط در برابر بهشت معامله کنید.

[۵۷] (۱). نگاشته ۱۷ ذی القعدة الحرام ۱۴۱۴ ه- ق، ۸/ ۲/ ۱۳۷۳.

[۵۸] (۱). سلام بر تو ای اباعبدالله، و سلام بر ارواحی که فانی در تو شدند. به درستی که خون خویش را در راه خدا مبذول داشتی تا خواهان آن باشی که بندگان پروردگار از جهالت و سرگردانی در ضلالت نجات یابند و تو نظام دین را احیا کردی. صلوات، رحمت و برکات خداوند بر تو باد و براهل بیت تو و یاران تو.

[۵۹] (۱). سوره یوسف، آیه ۱۱۱؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

[۶۰] (۱). سوره منافقون، آیه ۸؛ عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنین است.

[۶۱] (۲). به میزان فهم یا شناخت مردم با آنان گفتگو کنید؛ به آنچه که دور از فهم و شناخت مردم است با ایشان به گفتگو نپردازید.

[۶۲] (۱). پیام به مناسبت حلول ماه محرم الحرام، ۱۴۲۳ ه- ق.

[۶۳] (۱). سوره فصلت، آیه ۳۳؛ چه کسی خوش گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت می کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می گوید:« من از مسلمانانم؟»

[۶۴] (۲). سلام بر مهدی، طلب کننده خون شهید کربلا.

[۶۵] (۱). سوره ق، آیه ۱۸؛ سخنی(از خیر و شر) به زبان نیاورده جز آنکه همان دم رقیب و عتید نزد آن آماده‌اند.

[۶۶] (۱). چون اندرز از قلب بیرون آید در دل می‌نشیند.

[۶۷] (۱). پیام به همایش سراسری مداحان استان قم، ۲۵ ذی الحجة الحرام ۱۴۲۷ ه-. ق.

[۶۸] (۱). سوره ابراهیم، آیه ۲۰؛ و این نزد خداوند، دشوار نیست.

[۶۹] (۲). سوره ابراهیم، آیه ۴۷؛ پس هرگز مپندار که خداوند، وعده رسولانش را خلاف کند که البته خداوند بر هر کاری مقتدر است و از ستمگران انتقام خواهد کشید.

[۷۰] (۳). پیام به مناسبت فاجعه خونین بمب گذاری در جوار حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام، مشهد، عاشورای ۱۴۱۵.

[۷۱] (۱). پیام به مناسبت عاشورای خونین ۱۴۲۵ ه- ق که در تاریخ ۱۲/ ۱۲/ ۱۳۸۲ صادر شده است.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».